

زمینه‌های ساختاری مشارکت مدنی: عضویت داوطلبانه در انجمن‌ها در چشم‌اندازی معاصر

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی

تیر ۱۴۰۰

۱۶۶

ترجمه و
تلخیص

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

زمینه‌های ساختاری مشارکت مدنی: عضویت داوطلبانه در انجمن‌ها در چشم‌اندازی معاصر



مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی

تیر ۱۴۰۰

زمینه‌های ساختاری مشارکت مدنی:
عضویت داوطلبانه در انجمن‌ها در چشم‌اندازی معاصر

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی

این گزارش ترجمه‌ای است از:

Schofer, E., & Fourcade-Gourinchas, M. (2001). The Structural Contexts of Civic Engagement: Voluntary Association Membership in Comparative Perspective. *American Sociological Review*, 66(6), 806-828. doi:10.2307/3088874

نویسندگان: ایوان شوfer، ماریون فورسید گورینچاس

مترجم: بهنام ذوقی رودسری

انتشار: تیر ۱۴۰۰

فهرست مطالب

۵	زمینه‌های ساختاری مشارکت مدنی: عضویت داوطلبانه در انجمن‌ها در چشم‌اندازی معاصر
۵	چکیده
۶	مقدمه
۷	به سوی یک دیدگاه ساختاری براساس فعالیت‌های جمعی
۱۱	ویژگی‌های شیوه حکمرانی و تحلیل تطبیقی انجمن‌ها
۱۱	دو مفهوم کلیدی: دولت‌سالاری و جمع‌گرایی
۱۶	داده‌ها و روش‌ها
۲۰	نتایج
۲۰	میزان عضویت در انجمن‌ها
۲۲	نوع عضویت در انجمن‌ها
۲۳	نظارت‌های روش‌شناسانه
۲۳	توضیحات بیشتر
۲۶	نتیجه‌گیری
۲۷	منابع

زمینه‌های ساختاری مشارکت مدنی: عضویت داوطلبانه در انجمن‌ها در چشم‌اندازی معاصر

ایوان شوفر^۱

ماریون فورسید گورینچاس^۲

مترجم: بهنام ذوقی رودسری

چکیده

عضویت داوطلبانه در انجمن‌ها در بین کشورها هم به لحاظ تعداد و هم نوع انجمن‌هایی که مردم به آن‌ها می‌پیوندند، تفاوت‌های زیادی دارد. تمایزهایی که موجب این اختلاف‌ها می‌شوند، عبارتند از: (۱) تمایز بین جوامع دولت‌سالار در برابر جوامع غیردولت‌سالار (که گاهی «لیبرال نامیده می‌شوند») و (۲) تمایز بین جوامع جمع‌گرا در برابر جوامع غیرجمع‌گرا. این دو بعد، خلاصه‌ای از تفاوت‌های تاریخی در ساختار دولت‌ها، نهادهای سیاسی و فرهنگ ملت‌ها بیان می‌کنند که انواع مختلفی از فعالیت جمعی را هدایت می‌کنند، به آن‌ها مشروعیت می‌بخشند (یا از آن‌ها مشروعیت زدایی می‌کنند) و آن‌ها را تقویت (یا تضعیف) می‌کنند. با استفاده از داده‌هایی از پیمایش ارزش‌های جهانی^۳ در سال ۱۹۹۱، عضویت در انجمن‌ها در ۳۲ کشور مورد بررسی قرار گرفته است و مدل‌های سلسله‌مراتبی در مورد تأثیرات عوامل در سطح فردی و عوامل در سطح ملی بر عضویت شخص در انجمن‌ها تخمین‌هایی ارائه می‌کنند. نتایج نشان می‌دهند که دولت‌سالاری تمامی انواع فعالیت جمعی فرد و به ویژه فعالیت در انجمن‌های مربوط به جنبش‌های اجتماعی «جدید» را محدود می‌سازد. جمع‌گرایی بر عضویت در انجمن‌ها و به ویژه انجمن‌های مرتبط با جنبش‌های اجتماعی «قدیمی» آثار مثبتی می‌گذارد. در نهایت، روندهای زمانی نشان‌دهنده میزانی از همگرایی به سوی الگوهای انگلو-آمریکن انجمن‌ها هستند.

1. Evan Schofer

2. Marion Fourcade-Gourinchas

3 World Values Survey

مقدمه

در دولت ملت‌های معاصر، انجمن‌های داوطلبانه نهادهای مهمی هستند که بین فرد و محیط اجتماعی گسترده میانجی می‌شوند. محققان علوم سیاسی و جامعه‌شناسان به پیروی از اظهارات اولیه توکویل (۱۹۴۵) در مورد سازمان سیاسی متفاوت آمریکا و اروپا، بیان کرده‌اند که به لحاظ مشارکت در فعالیت جمعی در بین مردم کشورها و مناطق مختلف تفاوت‌هایی وجود دارد (الموند^۱ و وربا^۲ ۱۹۶۳؛ پاتنام^۳ ۱۹۹۳؛ ووتناو^۴ ۱۹۹۱). به عنوان مثال، ایالات متحده به طور سنتی به عنوان «ملتی مشارکت‌کننده» توصیف می‌شود، درحالی‌که به نظر می‌رسد برخی کشورهای اروپایی (به عنوان مثال فرانسه و ایتالیا) و ژاپن جهت‌گیری مدنی با توسعه کمتری داشته باشند. در مجموع، به نظر می‌رسد که «کشور محل اقامت فرد عامل مهمی در پیش‌بینی مشارکت داوطلبانه در انجمن‌ها باشد» (کرتیس^۵، گرب^۶ و بائر^۷ ۱۹۹۲: ۱۵۰).

بسیاری از پژوهشگران این تفاوت در مشارکت مدنی را به سیستم‌های ارزشی متفاوتی نسبت می‌دهند که اعضای هر جامعه آن‌ها را درونی‌سازی کرده‌اند (الموند و وربا ۱۹۶۳؛ انگلهارت^۸ ۱۹۹۷). تبیین‌های نهایی اغلب این امر را به رسمیت می‌شناسند که این سیستم‌های ارزشی ممکن است در ساختارهای ایدئولوژیک و نهادی بزرگ‌تری ریشه داشته باشند. این تبیین‌ها اغلب بر چگونگی این امر تأکید دارند که چنین ساختارهایی در سطح فردی میانجی ایجاد رفتارها و گرایش‌هایی خاص می‌شوند (به عنوان مثال «ارزش‌های فرامادی»، «اعتماد» و «سرمایه اجتماعی») که خود موجب ایجاد انجمن‌های داوطلبانه و (درنهایت) موفقیت نهادهای دموکراتیک می‌شوند (پاتنام ۱۹۹۳، ۲۰۰۰ را ببینید).

این دیدگاه «از پایین به بالا» به رابطه بین حیات مدنی و نهادهای سیاسی مورد انتقاد قرار گرفته است. اول، «سرمایه اجتماعی» یا «اعتماد» در بهترین حالت مفاهیمی مبهم هستند که به راحتی نمی‌توان آن‌ها را به واقعیت‌های تجربی متصل ساخت (پکستون^۹ ۱۹۹۹؛ پورتس^{۱۰} و لندولت^{۱۱} ۱۹۹۶؛ تارو^{۱۲} ۱۹۹۶؛ ووتناو ۱۹۹۹). دوم، برخی پژوهشگران علیه «تفکر دوگانه‌انگاره‌ای» که جامعه مدنی را در برابر دولت قرار داده‌اند اعتراض داشته‌اند (کوهن^{۱۳} ۱۹۹۹: ۲۸۳). آن‌ها در عوض استدلال می‌کنند که نهادهای سیاسی نقش اساسی در شکل دادن به فعالیت مدنی دارند و این رابطه صرفاً به صورت تأثیر فعالیت مدنی بر نهادهای سیاسی نیست (لوی^{۱۴} ۱۹۹۹؛ اسکاچپول^{۱۵} ۱۹۹۶، ۱۹۹۷؛ اسکاچپول و فیورینا^{۱۶} ۱۹۹۹؛ اسکاچپول، گانز^{۱۷} و مونسون^{۱۸} ۲۰۰۰؛ تارو ۱۹۹۶).

ما از نوعی از مفهوم‌سازی ساختار سیاسی الهام می‌گیریم که در پژوهش‌های پژوهشگران علوم سیاسی و جامعه‌شناسان نهادگرا ریشه دارد

1. Almond
2. Verba
3. Putnam
4. Wuthnow
5. Curtis
6. Grab
7. Baer
8. Inglehart
9. Paxton
10. Portes
11. Landolt
12. Tarrow
13. Cohen
14. Levy
15. Skocpol
16. Fiorina
17. Ganz
18. Munson

(میر^۱ ۱۹۸۳؛ چپرسون^۲ و میر^۳ ۱۹۹۱؛ بیرن باوم^۴ ۱۹۸۸؛ دیسون^۵ ۱۹۸۰؛ اشمیتز^۵ ۱۹۷۴). به طور خاص تر اینکه ما از یک دسته بندی ترکیبی استفاده کردیم که چپرسون (۱۹۹۲) آن را با هدف دفاع از این استدلال ایجاد کرده بود که الگوهای نهادی حاکمیت سیاسی و سازماندهی (چیزی که چپرسون آن را سطح دولت سالاری و سطح جمع گرایی می نامد) با الگوهای متمایز از مشارکت مدنی مرتبط هستند. مشارکت در فعالیت های داوطلبانه صرفاً از گروه های اجتماعی که از قبل بنا شده اند یا از ویژگی های فردی انباشتی سرچشمه نمی گیرد. بلکه ابعاد سازمانی و فرهنگی نهادهای سیاسی تا حدود زیادی در ساخت این گروه ها و فعالیت های مدنی که اعضایشان آن ها مشارکت می کنند، نقش دارند.

به سوی یک دیدگاه ساختاری بر اساس فعالیت های جمعی

پیمایش های ارزش های جهانی یک مجموعه داده منحصر به فرد برای آزمودن فرضیه ها در مورد بنیان های ساختاری رفتاری و جهت گیری ارزشی فردی فراهم می سازند. این پیمایش ها، نمونه بزرگی از کشورها و مجموعه گسترده ای از متغیرها را در بازه های زمانی متعدد تحت پوشش قرار می دهند که متغیرهای مربوط به مشارکت افراد در انجمن های داوطلبانه را دربرمی گیرد. این داده ها نشان می دهند که مردم در کشورهای مختلف به لحاظ سطح مشارکت در فعالیت های داوطلبانه تفاوت زیادی دارند و اینکه این تفاوت ها در طول زمان ثابت هستند. درصد اینکه مردم ادعا کنند حداقل در یک انجمن عضو هستند در بازه ای گسترده قرار می گیرد. در یک سوی این بازه ایالات متحده و بیشتر کشورهای اسکاندیناوی قرار می گیرند و در آن ها این میزان ۷۰ درصد است و در سوی دیگر در ژاپن و کشورهای جنوب اروپایی ۳۰ درصد است (به جدول ۱ مراجعه کنید). علاوه بر این، مردم در ایالات متحده و اسکاندیناوی به طور میانگین به عضویت تعداد بیشتری از انجمن ها درمی آیند.

علاوه بر این، انواعی از فعالیت های جمعی که شهروندان در آن ها مشارکت می کنند متفاوت هستند (جدول ۲ را ببیند). توجه داشته باشید که سطوح عضویت در ایالات متحده در انجمن های مذهبی و دسته بندی هایی که ما آن ها را جنبش های اجتماعی «جدید» می نامیم (از قبیل سازمان های حقوق زنان و حقوق بشر یا سازمان های محیط زیستی) به طور خاص بالا است. در مقابل، فعالیت جمعی در کشوری همچون آلمان بیشتر بر انجمن های جنبش اجتماعی «قدیم» همچون احزاب سیاسی سنتی و اتحادیه های صنفی متمرکز است.

جدول ۱ عضویت در انجمن های داوطلبی در کشورهایی منتخب: درصد و رتبه بندی های ملی از منابع داده ای مختلف

امتیاز میانگین عضویت فردی (در ۱۰ دسته بندی انجمن ها)		درصد افرادی که عضویت در هر یک از انجمن ها را گزارش می کنند و رتبه کشور					
پیمایش ارزش های جهانی		پیمایش ارزش های جهانی، ۱۹۹۱		پیمایش ارزش های جهانی، ۱۹۸۱		آلموند و ووربا (۱۹۶۳)	کشور
۱۹۹۱	۱۹۸۱	رتبه	درصد	رتبه	درصد		
۲,۰۰	۱,۶۴	۱	۸۶	۱	۸۲	-	ایسلند
۱,۴۸	۱,۴۰	۶	۶۸	۲	۷۲	۵۷	آمریکا
۱,۴۷	۱,۱۰	۲	۷۷	۳	۶۷	-	سوئد

1. Meyer
2. Jepperson
3. Birnbaum
4. Dyson
5. Schmitter

امتیاز میانگین عضویت فردی (در ۱۰ دسته بندی انجمن‌ها)		درصد افرادی که عضویت در هر یک از انجمن‌ها را گزارش می‌کنند و رتبه کشور				آلموند و وربا (۱۹۶۳)	کشور
پیمایش ارزش‌های جهانی		پیمایش ارزش‌های جهانی، ۱۹۹۱		پیمایش ارزش‌های جهانی، ۱۹۸۱			
۱۹۹۱	۱۹۸۱	درصد	رتبه	درصد	رتبه		
۱,۱۹	۰,۹۶	۷۳	۴	۶۴	۴	-	دانمارک
۱,۸۰	۱,۲۰	۷۵	۳	۶۱	۵	-	هلند
۱,۲۷	۱,۰۵	۶۸	۷	۶۱	۶	-	نروژ
۰,۷۶	۱,۰۲	۴۳	۱۱	۶۰	۷	-	اتریش
۱,۱۴	۰,۹۹	۵۵	۸	۵۷	۸	-	کانادا
۰,۷۶	۰,۸۷	۴۳	۱۲	۵۲	۹	۴۷	بریتانیا
۰,۶۲	۰,۸۲	۳۸	۱۳	۵۲	۱۰	-	ایرلند
۰,۸۲	۰,۷۰	۴۹	۹	۴۸	۱۱	۴۴	آلمان غربی
۰,۵۱	۰,۵۸	۳۰	۱۴	۴۲	۱۲	۲۴	مکزیک
۰,۹۳	۰,۵۷	۴۶	۱۰	۴۱	۱۳	-	بلژیک
۱,۳۲	۰,۴۰	۶۹	۵	۴۰	۱۴	-	فنلاند
۰,۲۵	۰,۴۶	۱۹	۱۸	۳۴	۱۵	-	آرژانتین
۰,۲۶	۰,۴۵	۱۷	۱۹	۳۱	۱۶	-	اسپانیا
۰,۳۴	۰,۳۷	۲۶	۱۵	۲۹	۱۷	-	ژاپن
۰,۴۵	۰,۳۹	۲۶	۱۷	۲۷	۱۸	-	فرانسه
۰,۴۱	۰,۳۵	۲۶	۱۶	۲۴	۱۹	۳۰	ایتالیا
۰,۹۳	۰,۸۱	۴۹	-	۴۹	-	-	میانگین

به‌رغم تفاوت‌های عظیم بین کشورها، هنوز هم متغیرهای در سطح فردی، چارچوب مرجع اصلی را برای درک الگوهای مشارکت مدنی هم در داخل کشورها و هم در بین کشورها ارائه می‌دهند. پژوهش‌های قبلی، همبستگی قدرتمندی بین فعالیت داوطلبانه و عضویت در انجمن‌ها از یک سو و حضور یافتن در کلیسا، جهت‌گیری مذهبی، آموزش، سطح درآمدی، جنسیت و وضعیت تاهل از سوی دیگر یافته‌اند (کرتیس ۱۹۷۱؛ کاتلر^۱ ۱۹۷۶، گرلیلی^۲ ۱۹۹۷؛ کنوک^۳ ۱۹۸۶؛ کنوک و تامسون^۴ ۱۹۷۷؛ اسکوت^۵ ۱۹۵۷).

مشارکت مدنی همچنین اغلب در چارچوب جهت‌گیری ارزشی خاصی توضیح داده شده است که در سیستم اجتماعی بزرگ‌تری ریشه دارد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مذهب (به‌ویژه پروتستانیسم) در پرورش جهت‌گیری مدنی نقش مهمی دارد (کورتیس و همکاران

1. Cutler
 2. Greeley
 3. Knoke
 4. Thomson
 5. Scott

۱۹۹۲:۱۴۹؛ انگلهاارت ۱۹۹۰:۴۵-۶۵، ۹۹:۱۹۹۷). «ارزش» دیگری که اغلب به آن اشاره می‌شود «اعتماد» است. الموند و وربا (۱۹۶۳) با استفاده از پیمایش‌های طولی در پنج کشور نشان دادند که سطوح بالای مشارکت مدنی در ایالات متحده و بریتانیا (در تقابل با ایتالیا، مکزیک و آلمان) با سطوح بالای اعتماد بین فردی ارتباط دارند. پیرو این بحث، اینگلهارت (۱۹۹۰، ۱۹۹۷) دریافت که با صنعتی شدن جوامع، مردم آموزش بیشتری می‌بینند و ثروتمندتر می‌شوند و بنابراین بر ارزش‌های فرامادی (پست‌ماتریالیستی) رفاه، مدارا و اعتماد تاکید می‌کنند که ارزش‌هایی هستند که به نوبه خود حامی توسعه انجمن‌ها (به‌ویژه انجمن‌های مربوط به جنبش اجتماعی «جدید») و دیگر نهادهای دموکراتیک هستند (انگلهارت و بیکر ۲۰۰۰).

جدول ۲ امتیازهای عضویت در انواع مختلف انجمن‌ها: ۳۲ کشور از پیمایش ارزش‌های جهانی، ۱۹۹۱

تعداد افراد	انجمن‌های مذهبی	جنبش‌های اجتماعی جدید	جنبش‌های اجتماعی قدیمی	تمامی انواع انجمن‌ها		کشور
				از ۱۶ نوع	از ۱۰ نوع	
۹۱۷	۰,۳۶	۰,۵۰	۰,۴۲	۲,۷۵	۱,۸۰	هلند
۵۰۸	۰,۵۰	۰,۱۷	۰,۹۹	۲,۶۰	۲,۰۰	ایسلند
۷۹۹	۰,۱۰	۰,۲۶	۰,۸۴	۲,۱۴	۱,۴۷	سوئد
۱,۴۴۱	۰,۵۰	۰,۲۱	۰,۴۰	۲,۰۴	۱,۴۸	آمریکا
۱۰۶۵	۰,۱۱	۰,۱۴	۰,۷۳	۱,۹۹	۱,۲۷	نروژ
۵۲۶	۰,۱۸	۰,۱۶	۰,۶۶	۱,۷۷	۱,۳۲	فنلاند
۹۲۰	۰,۰۷	۰,۱۸	۰,۶۹	۱,۷۶	۱,۱۹	دانمارک
۱,۵۴۷	۰,۲۵	۰,۲۱	۰,۳۶	۱,۷۰	۱,۱۴	کانادا
۱,۱۰۲	۰,۲۰	۰,۱۴	۰,۷۳	۱,۶۵	۱,۲۰	آلمان شرقی
۲,۲۰۳	۰,۱۲	۰,۲۵	۰,۲۸	۱,۴۲	۰,۹۳	بلژیک
۱,۵۸۹	۰,۱۷	۰,۱۵	۰,۳۴	۱,۴۲	۰,۸۲	آلمان غربی
۸۸۲	۰,۰۴	۰,۰۶	۰,۷۳	۱,۲۵	۱,۰۰	استونی
۶۱۸	۰,۰۳	۰,۰۸	۰,۸۰	۱,۲۳	۱,۰۳	لتونی
۱,۳۷۳	۰,۱۶	۰,۱۳	۰,۳۰	۱,۱۲	۰,۷۶	بریتانیا
۱,۲۶۷	۰,۱۶	۰,۱۰	۰,۳۷	۱,۱۲	۰,۷۶	اتریش
۱,۵۸۲	۰,۰۱	۰,۰۵	۰,۷۷	۱,۰۶	۰,۹۳	روسیه
۸۵۶	۰,۰۱	۰,۰۶	۰,۶۶	۱,۰۴	۰,۹۱	چین
۹۷۳	۰,۱۴	۰,۰۹	۰,۱۸	۰,۹۸	۰,۶۲	ایرلند
۸۶۲	۰,۰۳	۰,۰۷	۰,۵۵	۰,۹۲	۰,۷۷	لتونی
۱,۴۳۳	۰,۲۲	۰,۰۷	۰,۱۵	۰,۸۳	۰,۶۶	برزیل

کشور	تمامی انواع انجمن‌ها		جنبش‌های اجتماعی قدیمی	جنبش‌های اجتماعی جدید	انجمن‌های مذهبی	تعداد افراد
	از ۱۰ نوع	از ۱۶ نوع				
شیلی	۰,۵۹	۰,۸۲	۰,۱۴	۰,۰۶	۰,۱۸	۱,۳۵۰
مجارستان	۰,۶۰	۰,۷۲	۰,۴۰	۰,۰۳	۰,۱۱	۹۴۱
فرانسه	۰,۴۵	۰,۷۲	۰,۱۴	۰,۰۶	۰,۰۶	۸۲۵
بلغارستان	۰,۵۶	۰,۷۰	۰,۳۷	۰,۰۸	۰,۰۲	۸۶۴
مکزیک	۰,۵۱	۰,۶۷	۰,۱۰	۰,۰۷	۰,۱۴	۹۰۵
اسلونی	۰,۴۹	۰,۶۴	۰,۳۱	۰,۰۳	۰,۰۳	۸۶۶
پرتغال	۰,۴۰	۰,۶۰	۰,۱۴	۰,۰۲	۰,۱۰	۹۸۳
ایتالیا	۰,۴۱	۰,۵۹	۰,۱۵	۰,۰۶	۰,۰۸	۱,۸۱۸
ژاپن	۰,۳۴	۰,۵۵	۰,۱۵	۰,۰۵	۰,۰۷	۶۳۴
رومانی	۰,۳۵	۰,۴۱	۰,۲۴	۰,۰۲	۰,۰۴	۱,۰۴۷
اسپانیا	۰,۲۶	۰,۴۱	۰,۰۹	۰,۰۴	۰,۰۵	۳,۱۵۹
آرژانتین	۰,۲۵	۰,۳۶	۰,۰۶	۰,۰۱	۰,۰۷	۸۶۹

این تبیین‌ها تا حدودی در احیای رویکرد پارسونزی^۱ دهه ۱۹۵۰ ریشه دارند. در این رویکرد، فرهنگ سیاسی با ارزش‌هایی برابر دانسته می‌شود که به شکل سوبرژکتیو درونی شده‌اند و خود به لحاظ تحلیلی از ساختارهای سیاسی و نهادها جدا هستند (سامرز^۲ ۱۹۹۵). در این چارچوب، جهت‌گیری‌های ارزشی رفتارها را تعیین می‌کنند و بنابراین انجمن‌های داوطلبانه در نتیجه انباشت کنش‌های افراد پرشماری رشد می‌کنند که ویژگی‌ها یا رفتارهای مشابه مشترکی دارند. اما پژوهشگران تاریخ نشان داده‌اند که چنین فعالیت‌ها و رفتارهایی وجود ندارند و نمی‌توان مستقل از رابطه تاریخی و «دیالکتیکی» آن‌ها با نهادها در موردشان فکر کرد (سول^۳ ۱۹۹۲؛ اشتاینمتز^۴ ۱۹۹۹: ۲۰). دانش تنها در صورتی «درونی می‌شود» و ارزش‌ها در صورتی شکل می‌گیرند که نهادهایی وجود داشته باشند که آن‌ها را در جهت‌های خاصی هدایت کنند (برگر^۵ و لوکمن^۶ ۱۹۶۶). از یک سو، ساختارهای سیاسی، روش‌های نهادی برای پیگیری مشارکت مدنی را محدود می‌سازند و بدین طریق به امکان‌های فعالیت فردی شکل می‌دهند (کلمنس^۷ ۱۹۹۷؛ اسکاچپول ۱۹۸۵؛ اسکاچپول و همکاران ۲۰۰۰)؛ از سوی دیگر، آن‌ها نقش جایگاه‌هایی اجتماعی را دارند که در آن‌ها ادراک‌ها و ایده‌ها در مورد عاملیت و حکمرانی شکل می‌گیرند، نهادی می‌شوند و «مشروعیت» می‌یابند (میر و چپرسون ۲۰۰۰؛ اشتاینمتز ۱۹۹۳). به عنوان مثال، ممکن است مشارکت مدنی در جوامع انجوساکسون زیاد برجسته نباشد صرفاً به این دلیل که مردم ارزش‌های لیبرالی دارند. ولی کارکرد دیالکتیکی توانمندسازی ساختارهای سیاسی، سیاست‌های دولتی بیطرفانه و مدل‌های فرهنگی در دسترس که بر عاملیت تأکید دارند ممکن است نوعی از محیط اجتماعی تولید کند که در آن مشارکت مدنی صرفاً «عقلانی» است.

1 Parson
 2. Somers
 3. Sewell
 4. Steinmetz
 5. Berger
 6 Luckman
 7. Clemens

ویژگی‌های شیوه حکمرانی و تحلیل تطبیقی انجمن‌ها

ما با پیروی از نظریه پردازان نونهادگرا ادعا می‌کنیم که رفتار فردی توسط چارچوب‌های فرهنگی نهادی هدایت یا «ثبت» می‌شوند (برگر و لوکمن ۱۹۶۶، فریدلند و آلفرد ۱۹۹۱، میر، بولی^۱ و همکاران ۱۹۹۷؛ توماس و همکاران ۱۹۸۷). این چارچوب‌ها که در تاریخ اقتصادی، مذهبی و سیاسی کشورها ریشه دارند، هم در سطح سازمانی و هم در سطح شناختی عمل می‌کنند. اول، آن‌ها به توسعه سیستم‌های قواعد و نهادهایی در سطح ملی شکل می‌دهند (به عنوان مثال فعالیت‌های مدیریتی، سیستم‌های حقوق و قوانین و غیره). پژوهش‌های تطبیقی این ایده را تأیید می‌کند که عوامل نهادی وسیعی در قبال تفاوت‌های بین‌مرزها در حوزه‌های فعالیت اجتماعی مسئول هستند. به عنوان مثال، تنظیم قوانین بازار کار (وسترن ۱۹۹۷)، ارائه کالاهای اجتماعی (آمنتا^۲، بوناستیا^۳ و کارن^۴؛ اسپینگ-اندرسن^۵ ۱۹۹۹) یا سازمان اهدای خون (هیلی^۶ ۲۰۰۰) به طور سیستماتیک حول گروه‌هایی از کشورها با ویژگی‌های نهادی و فرهنگی مشابه الگو گرفته‌اند.

چارچوب‌های فرهنگی نیز در سطحی شناختی و جدا از هم عمل می‌کنند (دوبین^۷ ۱۹۹۴؛ فریدلند^۸ و الفورد^۹ ۱۹۹۱؛ میر، بولی و همکاران ۱۹۹۷؛ توماس و همکاران ۱۹۸۷). آن‌ها لنزی فراهم می‌سازند که از طریق آن هر عامل جهان را می‌شناسد و درون آن عمل می‌کند و چیزی را تبیین می‌کند که سویدلر^{۱۰} (۱۹۸۶) آن را «پرتوهای عمل» می‌نامد (همچنین لمونت^{۱۱} و تونوت^{۱۲} ۲۰۰۰ را ببینید). بدین ترتیب، چارچوب‌های فرهنگی را نباید صرفاً سیستم‌های ارزشی «درونی شده» دانست که سوژه‌های عقلانی برای شکل دادن به ترجیحاتشان از آن‌ها استفاده می‌کنند. بلکه آن‌ها متن‌هایی شناختی هستند که در چارچوب‌های سازمانی و سنت‌های نهادی بلندمدت ثبت شده‌اند و به رفتارهای اجتماعی و پرکتیس‌هایی شکل می‌دهند که مشروع و حتی «قابل تأمل» دانسته می‌شوند. بدین طریق، چارچوب‌های فرهنگی خود به عوامل سازنده آن افراد و گروه‌ها بدل می‌شوند. به عنوان مثال، چپرسون (۱۹۹۲) استدلال کرده است که ویژگی‌های حکمرانی به افکار سیاسی و بازنمایی‌های فردی در بین کشورها به شکل‌های بسیار متفاوتی شکل می‌دهند. چپرسون و میر (۱۹۹۱) نشان داده‌اند که مدل‌های رسمی سازماندهی با مدل‌های نهادی حکمرانی ارتباط نزدیکی دارند. بویل^{۱۳} (۲۰۰۰) تفسیر مشابهی را در مورد تفاوت‌ها در بین کشورها در کنش قانونی پیشنهاد داده است.

در مجموع، شواهد تجربی و نیز تئوریک نشان می‌دهند که فرهنگ سیاسی به کنش فردی شکل می‌دهد. بنابراین ما انتظار داریم که نسخه‌های نهادی در مورد رفتار سیاسی بر سطح و ویژگی فعالیت جمعی در میان کشورها تاثیر بگذارد.

دو مفهوم کلیدی: دولت‌سالاری و جمع‌گرایی

تحلیل‌های تاریخی در مورد تحولات اجتماعی در طول دوره‌های بلند زمانی دو بعد اساسی از تفاوت در نهادها و ساختارهای سیاسی را شناسایی می‌کنند: «دولت‌سالاری» و «جمع‌گرایی». هم مفاهیم و نیز سنخ‌شناسی دو به دویی که آن‌ها ایجاد می‌کنند به طور خاص در پژوهش چپرسون و میر با جزئیات مورد بررسی قرار گرفته‌اند (چپرسون ۱۹۹۲؛ چپرسون و میر ۱۹۹۱؛ میر ۱۹۸۳؛ بیرنباوم ۱۹۸۸؛ بیرنباوم و

1. Boli
2. Amenta
3. Bonastia
4. Caren
5. Esping-Andersen
6. Healy
7. Dobbin
8. Friedland
9. Alford
10. Swidler
11. Lamont
12. Thevenot
13. Boyle



در فرانسه تا سال ۱۹۰۱ چهار محدودیت‌هایی بود و بسیار دیرتر از دیگر عناصر حکومت دموکراتیک (به عنوان مثال حق رای همگانی برای مردان) محقق شد و حتی پس از این تاریخ نیز فعالیت‌های جمعی با هم با مانع رویه‌های مدیریتی پیچیده روبه‌رو بودند. امروزه نیز هویت‌های «اقلیت‌ها» (به عنوان مثال هویت‌های قومی و محلی) به فرقه‌گرایی مرتبط دانسته می‌شود که با چارچوب شمول‌گرایی ایجاد انسجام که توسط دولت ترویج می‌شود، در تضاد است.

به دلیل اینکه جامعه مدنی در کشورهای دولت‌سالار به لحاظ فرهنگی مشروعیت کمتری دارد، جامعه مدنی در این کشورها حمایت نهادی کمتری دریافت می‌کند. به عنوان مثال در ایتالیا محیط حقوقی که انجمن‌ها در قالب آن فعالیت می‌کنند و همچنین الگوی حمایت مالی فاقد انسجام هستند (پرلموتر^۱ ۱۹۹۱:۱۷۸). در نتیجه، سازمان‌های داوطلبانه ابزار ضعیفی دارند برای اینکه به کنش‌گرانی موثر در سپهر عمومی بدل شوند. به رغم احیای ایدئولوژی‌های مبتنی بر جامعه مدنی در سطح جهان، حکومت‌ها در جوامع دولت‌سالار، «توانمندسازی» انجمن‌ها به منظور برعهده گرفتن مسئولیت‌هایی که به صورت سنتی بردوش دولت بوده است را دشوار یافته‌اند. استراتژی شکست‌خورده «لیبرالیسم جمع‌گرا» که در دهه ۱۹۸۰ توسط دولت‌های فرانسوی در تلاشی برای آزادسازی اقتصاد ترویج می‌شد، می‌تواند به عنوان مثالی مطرح شود از میزانی که هنوز میراث نهادی به روابط بین دولت و جامعه شکل می‌دهد (لوی ۱۹۹۹). در مقابل، در جوامع غیردولت‌سالار نهادها و چارچوب‌های فرهنگی غالب به طور تاریخی مشارکت مدنی را به طور فعالی ترویج کرده‌اند. بریتانیای قرن نوزدهم با مجموعه متکثری از نهادهای مدنی محلی (انجمن‌های داوطلبانه، کلوب‌ها، اتحادیه‌های صنفی و جماعت‌ها) رشد کرد. در مقابل، دولت «عمدتاً در خدمت آسودگی و حمایت از حقوق افراد در حیات شخصی بود» (هریس^۲ ۱۹۹۰:۶۷). به ویژه در حمایت از حقوق مالکیت و تلاش شخصی در فعالیت‌های تجاری (مان^۳ ۱۹۸۶:۱۰۷). انجمن‌ها اغلب در همزیستی با نهادهای مدیریتی فعالیت می‌کنند و نه علیه آن‌ها (موریس^۴ ۱۹۹۰:۴۴). به طور مشابهی، فرهنگ سیاسی در ایالات متحده از طریق تجربه حکومت مردمی جامعه شکل گرفته است و از زمان شکل‌گیری‌اش به شدت مدافع ابتکار عمل و استقلال محلی باقی مانده است (بلا^۵ و همکاران ۱۹۸۵؛ دووین ۱۹۹۴). حتی با رشد اقتصاد فدرال و رشد مسئولیت‌های اجتماعی، دولت به کنشگری جامعه مدنی تکیه کرد و از رشد جامعه مدنی حمایت کرد. این کار به عنوان مثال با مشارکت دادن گروه‌های داوطلب در اجرای سیاست‌های رفاهی انجام می‌شد (اسکاچپول ۱۹۹۲، ۱۹۹۶، ۱۹۹۷؛ اسکاچپول و فیورینا ۱۹۹۹).

کشورهای اسکانداویایی نیز فرهنگی حامیانه و رفتاری نیکخواهانه نسبت به انجمن‌ها دارند، هرچند به شیوه‌ای متفاوت از کشورهای آنگلو ساکسون. فعالیت داوطلبانه در کشورهای آنگلو ساکسون هنوز به ایدئولوژی لیبرال قدرتمندی شکل می‌دهند که استقلال فعالیت داوطلبانه را می‌ستاید و از رابطه مستقل آن از حکومت با تعصب دفاع می‌کند (ووتناو^۶ ۱۹۹۱: ۳۰۰-۳۰۱). از سوی دیگر، در اسکانداویا مرزهای بین دولت و جامعه مدنی مبهم هستند. بولی (۱۹۹۱:۱۰۱) اشاره می‌کند که در زبان سوئدی، «این دولغت (دولت و جامعه مدنی) به صورت مترادف استفاده می‌شوند». دولت‌های اسکانداویا به رغم نقش چشمگیرشان در جامعه و اقتصاد اغلب صاحب اقتدار سیاسی نیستند. بلکه اقتدار سیاسی در اختیار جامعه (جامعه به عنوان ترکیبی از ذینفعان سازمان یافته و دارای مشروعیت) است که اقتدار دولتی «میانجی» آن‌ها شده است یا آن‌ها را با هم هماهنگ کرده است (یک ویژگی ساختاری که پایین‌تر با عنوان «جمع‌گرایی» مورد بحث قرار می‌گیرد). درحقیقت، به دلیل بستر نسبتاً مساوات‌طلبانه‌ای که در آن امتیازهای اجتماعی زود هنگام منسوخ شدند، یک جامعه مدنی قدرتمند اجازه یافت رشد کند (به ویژه حول کلیسای آزاد و جنبش‌های کارگری). در قرن نوزدهم در سوئد، عمل «مشورت» بین نهادهای مرکزی حکومتی با گروه‌های جامعه مدنی به خوبی نهادینه شده بود. این عمل بعداً از طریق حمایت مالی و مشارکت منسجم در تصمیم‌گیری‌های دولتی به یک سیستم حامی‌پروری تمام‌عیار در بخش داوطلبانه تبدیل شد (هکلوه^۷ و مدسن^۸ ۱۹۸۷؛

1. Perlmutter
2. Harris
3. Mann
4. Bellah
5. Hecló
6. Madsen

میچلتی^۱ (۱۹۹۵). با توسعه دولت رفاه سوسیال دموکراتیک که روابط دائمی را تقویت می‌کرد، ریشه گرفتن دولت در جامعه به جریان عادی امور و سبک مشروعی از حکمرانی اجتماعی و اقتصادی بدل شد. در این شیوه حکمرانی، سیاست‌های «توافق محور» با حضور تمامی ذینفعان مورد مذاکره قرار می‌گرفتند (اشمیتز ۱۹۷۴؛ اشمیتز و لمبروخ^۲ ۱۹۷۹).

در مجموع، سطح دولت‌سالاری باید تاثیرات عمیقی بر الگوهای فعالیت مدنی داشته باشد. برخی شیوه‌های حکمرانی، انواعی از نهادها و مدل‌های فرهنگی می‌سازند که از تاکید بر مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه به عنوان شیوه‌ای مشروع (و موثر) از فعالیت سیاسی می‌کاهند و بر قدرت تصمیم‌گیری دولتی تمرکز می‌کنند. برخی دیگر مرزبندی سیال‌تری بین سپهر خصوصی و عمومی دارند که به کنش‌های «خصوصی» اجازه می‌دهد در بستر «عمومی» مشروع‌تر باشد (چپرسون ۱۹۹۲: ۱۶۵-۱۶۶). بنابراین ما فرض اولمان را فرموله می‌کنیم:

فرض ۱: شیوه‌های حکمرانی با سطح پایینی از دولت‌سالاری نسبت به شیوه‌های حکمرانی دولت‌سالار، سطوح کلی بالاتری از عضویت در انجمن‌ها را از خود نشان می‌دهند.

در حالی که حکمرانی دولت‌سالار باید عموماً با مشارکت در تمامی فرم‌های کنش جمعی مخالف باشد، دوام شکاف‌های سنتی در جامعه مدنی و همچنین فقدان حمایت و مشروعیت باید پدیداری و قدرت گرفتن فرم‌های جدید انجمن‌ها را نسبتاً دشوارتر سازد (به ویژه انجمن‌های مرتبط با هویت‌ها و مطالبات خاص). به همین صورت، پژوهش‌های تجربی قبلی نشان می‌دهند که سازمان‌های اجتماعی جدید در فرانسه و در کشورهای جنوب اروپا نسبت به دیگر کشورهای اروپایی بسیار ضعیف‌تر هستند (دیونندک^۳ ۱۹۹۵). این امر ما را به سوی فرض دوم هدایت می‌کند:

فرض ۲: دولت‌سالاری اثر منفی قدرتمندی بر عضویت در انجمن‌های جنبش اجتماعی جدید خواهد داشت.

جمع‌گرایی. در امتداد بُعد دوم، شیوه‌های حکمرانی به لحاظ شیوه دربرگرفتن کنشگران اجتماعی با هم تفاوت دارند. چپرسون (۱۹۹۲) این امر را سطح «جمع‌گرایی» می‌نامد. برخی سیستم‌های اجتماعی به اشخاص حقیقی «عاملیت» حکمرانی نسبت می‌دهند و اغلب برای نمایندگی منافع در افراد حق حاکمیت قائل هستند. در این دیدگاه، کنش گروهی تنها به عنوان تجسم خواست‌های فردی مشروعیت می‌یابد. سیستم‌های دیگر یک هدف اخلاقی بالاتر به گروه‌های سازمان یافته نسبت می‌دهند. این هدف عبارت است از توانمندسازی افراد عمدتاً به عنوان اعضای جمع‌هایی گسترده‌تر که «کارکردها و حقوق» مشخصی دارند (چپرسون و میر ۱۹۹۱: ۲۱۴-۱۷). در چنین کشورهایی، جامعه (در بیشتر اوقات) توسط یک پروژه اقتصادی خاص حول خطوط جمعی سازمان می‌یابد. نهاد‌های جمعی (از فرم‌های قدیمی اصناف در امپراتوری‌های اروپای مرکزی و شرقی تا «انجمن‌های پرنفوذ» مدرن اسکاندیناوی) هنوز جریان‌های کنش عمومی را بازنمایی می‌کنند. این امر در تاریخ فئودالی و پدرسالارانه سازماندهی جامعه توسط طبقات حاکم ریشه دارد.

گمان ما این است که سازماندهی جمعی قدرتمندتر به دلیل موقعیت «میانجی‌اش» باید فعالیت‌های مدنی را تقویت کند و بنابراین به یک بخش داوطلبانه توسعه یافته تبدیل شود. دولت در حکومت‌های جمع‌گرا به طور تاریخی نقشی حمایت‌کننده در ترتیبات نهادی جمعی ایفا کرده است. این کار به عنوان راهی برای تقویت «نظام» سیاسی و اقتصادی (به عنوان مثال در آلمان) (آنهایر ۱۹۹۱: ۶۸) یا «توافق» اجتماعی (به عنوان مثال در اسکاندیناوی) انجام می‌شود. سنت نظامی در امپراتوری‌های روسیه، اتریش مجارستان و آلمان موجب پدیداری یک مفهوم سازی نظام‌مند از جامعه به عنوان ترکیبی از گروه‌های جدا با عملکردها و ویژگی‌های متمایز شد. در غیاب حقوق سیاسی، گروه‌های منزلتی اتریشی و آلمانی، انجمن‌های جمع‌گرای مدرن را تولید کردند که بعداً در اتحادیه‌هایی قدرتمند گرد هم آمدند. این انجمن‌های بزرگ و مرکزگرا به بخشی از شیوه حکمرانی بدل شدند و تا حدود زیادی با هم هماهنگ شده بودند. اما شمول

1. Micheletti
2. Lehmbruch
3. Duyvendak



چنین گروه‌هایی در سپهر عمومی نه به آسانی به دست آمده است و نه به طور خودکار بوده است. بلکه مدیران عمومی و دولتی اغلب قدرت تصمیم‌گیری در مورد اینکه کدام گروه‌های جمعی می‌توانند دسترسی داشته باشند را برای خود حفظ می‌کنند. در مقابل، در کشوری همچون سوئد جمع‌گرایی بیشتر جنبه «عملکردی» دارد (چپرسون ۱۹۹۲: ۱۲۱). ریشه‌های آن را می‌توان در الگوهای تاریخی اتحاد دولت و ملت و در جنبش‌های متحد با پایه گسترده طبقاتی یافت که در طول قرن بیستم توسعه یافته است. در نتیجه، بُعد نمایندگی آن نسبت به آلمان یا اتریش بهتر تثبیت شده است. در آلمان و اتریش، جمع‌گرایی از گروه‌های صنفی و دیگر نظام‌های سلسله‌مراتبی پدیدار شد و بیشتر «منزلت محور» بوده است.

در کشورهای جمع‌گرا دولت از تمامی فرم‌های سازمان جمعی به عنوان مجرای اصلی برای مشارکت سیاسی حمایت می‌کند و اغلب حمایت‌های سخاوتمندانه‌ای برای آنان فراهم می‌سازد. این حمایت‌ها با این شرایط ارائه می‌شوند که انجمن‌ها بزرگ و در سطح ملی باشند، به شکلی دموکراتیک اداره شوند و ساختاری مرکزگرا داشته باشند که مذاکره و چانه‌زنی با نهادهای حکومتی را امکان‌پذیر سازند. حاملان منافع جمعی، نقش‌های اجتماعی مهمی ایفا می‌کنند و اغلب با نهادهای سیاست‌گذار رابطه نزدیکی دارند و مسئولیت‌های گسترده اجرایی (به عنوان مثال در مدیریت خدمات رفاهی) را برعهده می‌گیرند. بنابراین تنظیم مقررات اجتماعی به طور عمده با همکاری بین گروه‌های مختلف و دولت و همچنین همکاری بین گروه‌های جمع‌گرای مختلف تضمین می‌شود.

این نوع از حکمرانی با کشورهایی با فرهنگ‌های سیاسی فردگرا متفاوت است. در دولت‌های انگلوساکسون تصور می‌شود که افراد (و نه گروه‌ها) به بهترین نحو در مورد منافع خودشان قضاوت می‌کنند و در نتیجه به عنوان نماینده مشروع خودشان توانمندسازی می‌شوند (چپرسون و میر ۱۹۹۱). اگرچه اختلاف‌های مهمی در این مورد باقی می‌ماند که منبع نهایی مشروعیت سیاسی را چه چیزی مشخص می‌کند (کل باوری و احترام آمریکایی‌ها به انسان خودساخته با احترام سنتی انگلیسی‌ها به «اشراف‌زادگان» تضاد شدیدی دارد)، این ملت‌ها بر نمایندگی و قدرت تصمیم‌گیری تمرکززدایی شده معطوف هستند (لیپست ۱۹۶۳).

فرانسه، تا حدودی کشورهای جنوب اروپا و کشورهای آمریکای لاتین به طور کلی در یک دسته‌بندی قرار می‌گیرند، اگرچه به دلایلی متفاوت. در فرانسه، توانمندسازی افراد در برابر گروه‌ها در نتیجه گذشته انقلابی این کشور در براندازی فئودالیسم و امتیازها است که مخالفت فرهنگی شدیدی در برابر هر گونه «جمع‌گرایی» را پرورش می‌دهد. جمع‌گرایی در زبان فرانسه حتی معنای ضمنی منفی دارد و «بر گروه‌های انگل وار مورد حمایتی دلالت دارد که به هزینه ضرر به مردم عادی، امتیازهایی دریافت می‌کنند که شایستگی آن را ندارند» (لوی ۱۹۹۹: ۱۰). در نتیجه، روابط بین واحدهای اجتماعی و بین واحدهای اجتماعی و دولت منازعه‌آمیزتر است. سطوح بالای درگیری طبقاتی نهادی، رادیکالیسم سازمان‌های جنبش اجتماعی (از همه برجسته‌تر رادیکالیسم در اتحادیه‌های صنفی) و شکاف‌های بین مرکز و حاشیه در فرانسه و ایتالیا شواهدی از این مسئله هستند.

بنابراین میزان «جمع‌گرا بودن» نشان‌دهنده یک بعد ساختاری مهم دیگر برای درک تفاوت در فعالیت جمعی است. نهادهای اجتماعی جمع‌گرا به دلیل اینکه مشارکت مرکزگرا، کل باوری و سازماندهی جمعی را مشروع می‌سازند باید سطح فعالیت جمعی را افزایش دهند. به عنوان مثال وسترن^۱ (۱۹۹۷) نشان داده است که نهادهایی از قبیل «سیستم قنط^۲» که در آن اتحادیه‌های صنفی مسئول تدارک و مدیریت مزایای مربوط به بیکاری هستند، اغلب سطوح عضویت را افزایش می‌دهند و آگاهی جمعی (طبقاتی) را گسترش می‌دهند. فرض سوم ما این استدلال را تعمیم می‌دهد:

فرض ۳: به دلیل اینکه مدل‌های حکمرانی جمع‌گرا فرم‌های جمعی و شمول‌گرایانه از مشارکت سیاسی را ترویج می‌کنند، آن‌ها نسبت به مدل‌های حکمرانی غیرجمع‌گرا سطوح بالاتری از عضویت انجمن‌ها را پرورش خواهند داد.

ما همچنین می‌توانیم فرضیه‌هایی در مورد نوعی از مشارکت مدنی که جمع‌گرایی آن را تشویق می‌کند نیز مطرح کنیم. الگوهای

1. Western

2. Ghent

از سازماندهی اجتماعی در مدل‌های حکمرانی جمع‌گرا که در طول تاریخ نهادینه شده‌اند باید ما را به سوی انتظار تأکید بیشتر بر فعالیت‌های مرتبط با بخش‌های اقتصادی همچون اتحادیه‌ها و انجمن‌های صنفی و همچنین احزاب سیاسی که تا حدودی با منافع اقتصادی همسو هستند، هدایت کنند. به این موارد انجمن‌های جنبش اجتماعی «قدیمی» اطلاق می‌شود زیرا آن‌ها عموماً در ابتدای قرن بیستم توسعه یافته‌اند. علاوه بر این، مشروعیت قابل توجه این نهادها به عنوان شیوه اصلی مشارکت سیاسی و ماهیت به شدت تمرکزگرای حکمرانی باید به آن‌ها اجازه دهد تا فراگیرتر باشند و به حوزه‌های جدیدی از فعالیت اجتماعی گسترش یابند و بدین وسیله از فرسایش و کهنه شدن که در کشورهای دیگر معمول هستند، جلوگیری کنند. جالب است که اتحادیه‌های صنفی اسکاندیناویایی در برابر روند تنزل شدید اعضای اتحادیه که کشورهای دیگر اروپایی در سه دهه گذشته تجربه کردند، نسبتاً مصون بوده‌اند (وسترن ۱۹۹۷). بنابراین فرضیه چهارم ما این است:

فرضیه ۴: فعالیت جمعی در کشورهای به شدت جمع‌گرا باید به میزان زیادی بر انجمن‌های جنبش اجتماعی «قدیمی» تأکید داشته باشد.

در نهایت، ما روندهای جهانی در فعالیت جمعی را در طول زمان بررسی می‌کنیم. برخی نظریه پردازان استدلال کرده‌اند که حیات اجتماعی به میزان هرچه بیشتری در سطح بین‌المللی سازماندهی می‌شود (بولی و توماس ۱۹۹۹؛ میر، بولی و همکاران ۱۹۹۷). سازمان‌هایی که این «جامعه جهانی» را تشکیل می‌دهند تا حدود زیادی از شیوه حکمرانی لیبرال (به ویژه ایالات متحده) پیروی می‌کنند و بنابراین به طور فعالی دو نهاد اصلی را تقویت می‌کنند که چنین سیستم‌های اجتماعی بر آن‌ها بنا شده‌اند (یعنی بازارهای قدرتمند و جوامع مدنی) (میر، فرانک^۱ و همکاران ۱۹۹۷؛ سامرز ۲۰۰۱). بنابراین ما انتظار داریم که گسترش جامعه جهانی در دوره اخیر موجب تغییر جهتی جهانی به سوی مدل‌های لیبرالی سازماندهی سیاسی شوند که مشخصه آن سطوح بالاتری از انجمن‌ها و رشد جنبش‌های اجتماعی «جدید» باشد.

داده‌ها و روش‌ها

هدف اولیه ما تشخیص تاثیرات ویژگی‌های حکمرانی در سطح یک کشور (دولت‌سالاری و جمع‌گرایی) بر عضویت فرد در انجمن‌ها در یک کشور مشخص فارغ از دیگر عوامل در سطح فردی یا سطح کشور است. داده‌ها در مورد فعالیت جمعی از پیمایش ارزش‌های جهانی سال ۱۹۸۱ و ۱۹۹۱ به دست آمده‌اند که شامل حدود ۹۰۰۰۰ پاسخ‌دهنده از ۴۳ کشور می‌شود (گروه مطالعاتی ارزش‌های جهانی ۱۹۹۴). به دلیل اینکه برای برخی کشورها موارد خاصی از پرسشنامه در دسترس نیستند، تحلیل اصلی ما از داده‌های سال ۱۹۹۱، اطلاعاتی در مورد حدود ۳۷۰۰۰ نفر در ۳۲ کشور را دربرمی‌گیرد. از پاسخ‌دهندگان پرسیده شده است که آیا آن‌ها به انواع مختلفی از انجمن‌ها (به عنوان مثال سازمان‌های مذهبی، گروه‌های ورزشی، انجمن‌های محیط زیستی و غیره) «تعلق دارند» (یعنی در آن‌ها عضویت دارند). در پیمایش سال ۱۹۸۱ ده دسته بندی از انجمن‌ها در پیمایش سال ۱۹۸۱ مورد بررسی قرار گرفتند و شش دسته به پیمایش سال ۱۹۹۱ اضافه شدند. ما این متغیرها را ترکیب کردیم تا امتیازهایی را فراهم کنیم که نمایانگر عضویت کلی و همچنین عضویت در انواع خاصی از انجمن‌ها باشند. متغیرهای وابسته به شکل پیش‌رو مورد بررسی قرار می‌گیرند:

میزان کلی عضویت در انجمن‌ها. این متغیر با جمع بستن تمامی ۱۰ دسته بندی انجمن‌ها برای هر فرد در پیمایش سال ۱۹۸۱ و نیز در پیمایش سال ۱۹۹۱ اندازه‌گیری می‌شود. به عنوان مثال، فردی که عضو حداقل یک انجمن محیط زیستی و حداقلی یک انجمن مذهبی باشد امتیاز ۲ را به دست می‌آورد. کسانی که در هیچ کدام از دسته بندی‌ها عضویت نداشته باشند، امتیاز ۰ می‌گیرند. بیشترین امتیاز ممکن ۱۰ است.

عضویت در جنبش اجتماعی قدیمی. جنبش‌های اجتماعی قدیمی با جمع عضویت‌ها در دسته‌بندی‌های اتحادیه‌های صنفی، احزاب سیاسی و انجمن‌های صنفی اندازه‌گیری می‌شوند.

عضویت در جنبش اجتماعی جدید. جنبش‌های اجتماعی جدید با جمع عضویت در دسته‌بندی‌های انجمن‌های محیط زیستی، انجمن‌های توسعه جهان سوم، سازمان‌های زنان و سازمان‌های صلح اندازه‌گیری می‌شود.

ما برخی عوامل در سطح ملی و در سطح فردی را که ممکن است برای معیارهای فعالیت جمعی تاثیر بگذارند مورد بررسی قرار می‌دهیم. توصیف‌های متغیر و آمارهای توصیفی برای تمامی متغیرها در جدول ۴ لیست شده‌اند. متغیرهایی که متضمن توضیحات اضافی هستند در اینجا مورد بحث قرار گرفته‌اند. متغیرهای مستقل در سطح ملی به شکل پیش‌رو اندازه‌گیری شده‌اند:

دولت‌سالاری. این مفهوم بر اساس توصیف ساختار دولت و ویژگی‌های حکمرانی توسط چپرسون و میر (چپرسون ۱۹۹۲؛ چپرسون و میر ۱۹۹۱) با داشتن دو حالت اندازه‌گیری می‌شود. برای کشورهایی که در این منابع مورد بحث قرار نگرفته بودند، ما با استفاده از تعریف آن‌ها کدهایی ایجاد کردیم (حکومت‌های دولت‌سالار=۱).

جمع‌گرایی. این متغیر نیز بر اساس پژوهش چپرسون و میر دو حالت دارد (حکومت‌های جمع‌گرا=۱). جدول ۳ دسته‌بندی در مورد ابعاد دولت‌سالاری و جمع‌گرایی برای کشورهای منتخب را به طور خلاصه بیان می‌کند.

توسعه اقتصاد ملی. این متغیر با لگاریتم سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP) اندازه‌گیری می‌شود (سامرز^۱ و هستون^۲ ۱۹۹۱). این ایده که توسعه ملی باعث تقویت رفتارها و نهادهای دموکراتیک می‌شود به نظریه مدرنیزاسیون بازمی‌گردد و یکی از اصول اصلی جامعه‌شناسی سیاسی است (لیپست ۱۹۶۰). از یک سو، سرمایه اجتماعی با منابع جمعی لازم برای حمایت از انجمن‌ها مرتبط است. از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی با بهبود آموزش، زمان استراحت بیشتر و دیگر ویژگی‌های در سطح فردی که ممکن است عضویت در انجمن‌ها را افزایش دهد، ارتباط دارد. ما عوامل میانجی سطح فردی را کنترل می‌کنیم و این پرسش که آیا توسعه در سطح اجتماعی تاثیرات مستقیمی دارد را یک پرسش تجربی می‌دانیم.

دموکراسی. دموکراسی در یک مقیاس ۱۰ امتیازی مورد بررسی قرار می‌گیرد که نشان‌دهنده نهادینه شدن دموکراسی سیاسی است (جگرز^۳ و گور^۴ ۱۹۹۵). تصور می‌شود که دموکراسی علاوه بر فراهم‌سازی آزادی‌های سیاسی برای مشارکت در فعالیت‌های مدنی، فرهنگ سیاسی مشارکتی خاصی را پرورش دهد که به شکل‌گیری انجمن‌های داوطلبانه منجر می‌شود. باید دید که آیا این استدلال‌ها که در مطالعه دموکراسی در آمریکا ریشه دارند را می‌توان به دموکراسی‌های در کشورهای دیگر جهان تعمیم داد.

جدول ۳ تفاوت‌ها در ساختار حکمرانی ملی: دولت‌سالاری در برابر جمع‌گرایی

میزان دولت‌سالاری		میزان جمع‌گرایی
زیاد	کم	
فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، پرتغال، آمریکای لاتین	آمریکا، بریتانیا، کانادا	کم
دوره امپراطوری ویلهلمی در آلمان، آلمان پس از جنگ جهانی دوم، اتریش، اروپای شرقی و مرکزی، ژاپن	کشورهای اسکاندیناوی	زیاد

ویژگی‌های سطح فردی نیز ممکن است بر عضویت در انجمن‌ها تاثیر بگذارند. ما در تلاش برای حفظ انسجام با دیگر پژوهش‌های تجربی در مورد این موضوع از مجموعه استانداردی از چنین شاخص‌هایی استفاده می‌کنیم (به عنوان مثال کرتیس و همکاران ۱۹۹۲):

1. Summers
2. Heston
3. Jaggers
4. Gurr

مویزر^۱ و پری^۲ (۱۹۹۷) (جدول ۴ را ببینید).

ما برای تحلیل عضویت در انجمن‌ها از مدل‌های سلسله‌مراتبی استفاده می‌کنیم (بریک^۳ و رودنبوش^۴ ۱۹۹۲). مدل‌های چندسطحی مناسب این مورد هستند زیرا ما به نتیجه در سطح فردی علاقه مند هستیم که هم تحت تاثیر متغیرهای سطح فردی و هم متغیرهای در سطح ملی هستند. صرف انباشت امتیازهای عضویت در سطح فردی در یک متغیر وابسته در سطح ملی موجب غفلت از فرآیندهای در سطح فردی می‌شود که بر عضویت در انجمن‌ها تاثیر می‌گذارد. مدلسازی یک پیامد در سطح فردی به عنوان تابعی از متغیرهای در سطح ملی و در سطح فردی با استفاده از رگرسیون OLS باعث غفلت از ویژگی‌های ساختار خطا می‌شود که از ویژگی‌های مشترک افراد درون یک کشور منجر می‌شوند و از فرض‌های مدل رگرسیون OLS تخطی می‌کند. از سوی دیگر، مدل‌های سلسله‌مراتبی صریحا خطای سطح گروهی و فردی را ادغام می‌کنند.

یک مدل چندسطحی از یک معادله در سطح فردی و یک یا چند معادله در سطح گروهی تشکیل می‌شود. ما شبیه به یک رگرسیون عادی، یک معادله سطح فردی را همراه با عبارت خطایش مشخص کردیم. علاوه بر این، ثابت معادله سطح فردی به شکل تابعی از ویژگی‌های سطح ملی و یک عبارت خطای در سطح گروهی مدلسازی شده است. معادله‌های تخمینی برای مدل اولیه ما به این صورت هستند:

$$B + \beta_1(\text{سن}) + \beta_2(\text{مذکر}) + \beta_3(\text{آموزش}) + \beta_4(\text{تاهل}) + \beta_5(\text{مذهب}) + \beta_6(\text{اشتغال}) + \epsilon, \text{ عضویت (۱)}$$

$$\beta(2) = Y_{00} + Y_{01}(\text{جمع‌گرایی}) + Y_{02}(\text{دولت‌سالاری}) + Y_{03}(\text{تولید ناخالص داخلی}) + Y_{04}(\text{دموکراسی}) + \epsilon.$$

ما از یک مدل پواسون^۵ غیرخطی استفاده می‌کنیم زیرا متغیر وابسته مان یعنی تعداد عضویت هر فرد یک «شمارش» (عدد صحیح غیرمنفی) است. با توجه به ماهیت به شدت نامتقارن داده‌ها و این حقیقت که یک مدل خطی ممکن است به طور نامعقولی عضویت «منفی» برای برخی موارد پیش‌بینی کند، یک رابطه خطی مناسب نیست.

جدول ۴ تعریف و آمارهای توصیفی برای متغیرهای مورد استفاده در تحلیل‌ها: ۳۲ کشور از پیمایش ارزش‌های جهانی، ۱۹۹۱

متغیر	تعریف	میانگین	انحراف از معیار
متغیرهای سطح کشوری			
جمع‌گرایی	به صورت دو حالتی اندازه‌گیری می‌شود (۱= به لحاظ بعد جمع‌گرایی این ملت امتیاز بالایی دارد) (چپرسون ۱۹۹۲)	۰٫۶۶	۰٫۴۸
دولت‌سالاری	به صورت دو حالتی اندازه‌گیری می‌شود (۱= به لحاظ بعد دولت‌سالاری این ملت امتیاز بالایی دارد) (چپرسون ۱۹۹۲)	۰٫۵۶	۰٫۵۰
دموکراسی	با شاخص دموکراسی ۱۰ امتیازی اندازه‌گیری می‌شود (جگرز و گور ۱۹۹۵)	۷٫۹۴	۳٫۲۴
توسعه اقتصاد ملی	با (لگاریتم) سرانه تولید ناخالص داخلی اندازه‌گیری می‌شود (سامرز و هستون ۱۹۹۱)	۹٫۰۸	۰٫۶۲
متغیرهای سطح فردی			

1. Moyser
2. Parry
3. Bryk
4. Raudenbush
5. Poisson

متغیر	تعریف	میانگین	انحراف از معیار
عضویت کلی در انجمن‌ها	با تعداد انجمن‌هایی که فرد اظهار می‌کند از میان دسته بندی ۱۰ گانه انجمن‌ها عضو است	۰,۸۰	۱,۱۶
عضویت در جنبش‌های اجتماعی جدید	با میزان عضویت در دسته بندی‌هایی که نماینده انجمن‌های جنبش‌های اجتماعی جدید هستند اندازه‌گیری می‌شود	۰,۱۷	۰,۵۱
عضویت در جنبش‌های اجتماعی قدیمی	با میزان عضویت در دسته بندی‌هایی که نماینده انجمن‌های جنبش‌های اجتماعی قدیمی هستند اندازه‌گیری می‌شود	۰,۲۹	۰,۵۲
سن	با عدد سن فرد اندازه‌گیری می‌شود	۴۲,۵۹	۱۶,۳۸
جنسیت	به صورت دو حالتی اندازه‌گیری می‌شود (مذکر=۱)	۰,۴۸	۰,۵۰
آموزش	با یک شاخص ۴ نمره‌ای اندازه‌گیری می‌شود (نمره بالاتر=تحصیل کرده‌تر)	۲,۶۱	۰,۹۹
وضعیت تاهل	به صورت دو حالتی اندازه‌گیری می‌شود (متاهل=۱)	۰,۶۲	۰,۴۹
باورهای مذهبی	با یک شاخص ۴ نمره‌ای اندازه‌گیری می‌شود (۴=مذهب خیلی مهم است، ۱=مذهب اصلاً مهم نیست)	۲,۵۲	۱,۰۷
وضعیت اشتغال	به صورت دو حالتی اندازه‌گیری می‌شود (اشتغال پاره وقت یا تمام وقت=۱)	۰,۶۲	۰,۴۹
اعتماد	به صورت دو حالتی اندازه‌گیری می‌شود (۱=تایید می‌کند که می‌توان به بیشتر مردم اعتماد کرد)	۰,۳۶	۰,۴۸
ارزش‌های فرامادی	با یک شاخص ۳ نمره‌ای اندازه‌گیری می‌شود (به انگلهارت ۱۹۹۷ مراجعه کنید)	۱,۹۳	۰,۶۴

ضرایب سطح فردی مقید هستند که در گروه‌های مختلف ثابت باشند و یک وارپانس خطا به آن‌ها تخصیص داده شده است. ما روابط متقابل در سطوح مختلف بین متغیرها را مشخص نمی‌کنیم. مدل‌های پواسون چندسطحی با استفاده از تخمین شبه احتمال تنبیهی (PQL) محدود با برنامه ۵ HLM مورد محاسبه قرار گرفتند (رودنیوش و همکاران ۲۰۰۰؛ گو و ژائو^۲ ۲۰۰۰).

نتایج

میزان عضویت در انجمن‌ها

جدول ۵ نتایج مدل‌های پواسون سلسله‌مراتبی را نشان می‌دهد که سطح عضویت در هر انجمن در تمامی دسته‌بندی‌های انجمن‌ها را پیش‌بینی می‌کند (جدول‌هایی که تاثیرات اتفاقی بر روی مدل‌ها را نشان می‌دهند بنا به درخواست از نویسندگان در دسترس هستند). مدل ۱ مدل پایه ما است که متغیرهای رفتاری در سطح فردی (اعتماد و پست ماتریالیسم) را حذف می‌کند. ما مدل‌هایی بدون این متغیرها ارائه می‌کنیم تا از نگرانی‌های احتمالی در مورد جهت‌گیری علیت اجتناب کنیم (اما به دلیل جذابیت تئوریک این متغیرها، ما به رغم این هشدارها آن‌ها را در مدل ۲ قرار می‌دهیم).

جدول ۵ ضرایب رگرسیون سلسله‌مراتبی پواسون نشان‌دهنده تاثیرات متغیرهای مستقل منتخب بر سطح کلی عضویت فرد در انجمن‌ها: ۳۲ کشور از پیمایش ارزش‌های جهانی، ۱۹۹۱

متغیر مستقل	مدل ۱ (مدل پایه)	مدل ۲ (مدل کامل)
متغیرهای سطح کشوری		
دولت‌سالاری	-۰,۶۴۳ (۰,۱۳۶)	-۰,۵۸۱ (۰,۱۱۸)
جمع‌گرایی	۰,۳۵۴ (۰,۱۱۰)	۰,۱۷۸ (۰,۰۹۸)
دموکراسی	-۰,۰۱۳ (۰,۲۴۰)	-۰,۰۰۸ (۰,۲۲۰)
سرانه تولید ناخالص ملی (لگاریتم)	۰,۱۶۱ (۰,۱۴۶)	۰,۰۵۴ (۰,۱۳۷)
متغیرهای سطح فردی		
سن	۰,۰۰۵ (۰,۰۰۰۸)	۰,۰۰۶ (۰,۰۰۰۹)
جنسیت (مذکر=۱)	۰,۰۶۳ (۰,۰۲۶)	۰,۰۵۸ (۰,۰۲۴)
آموزش	۰,۲۹۱ (۰,۰۲۱)	۰,۲۴۶ (۰,۰۱۹)
وضعیت تاهل (متاهل=۱)	۰,۱۱۵ (۰,۰۱۸)	۰,۱۰۹ (۰,۰۱۸)
باور مذهبی	۰,۱۵۴ (۰,۰۱۶)	۰,۱۵۰ (۰,۰۱۷)
وضعیت اشتغال (شاغل=۱)	۰,۳۹۲ (۰,۰۳۹)	۰,۳۸۷ (۰,۰۴۳)
اعتماد به دیگران	-	۰,۲۲۵ (۰,۰۲۵)
ارزش‌های فرامادی	-	۰,۱۷۸ (۰,۰۲۰)
ثابت	-۳,۱۴ (۱,۳۲)	-۲,۵۷ (۱,۲۵)
لگاریتم احتمال (۱-۴)	-۰,۸۵	-۰,۷۳

متغیرهای سطح فردی تاثیراتی دارند که با متون در این مورد سازگاری دارند، چه مطالعات قبلی تحلیل‌هایی معطوف به یک کشور باشند (به عنوان مثال مویزرو پری ۱۹۹۷) یا مطالعاتی در مورد چند کشور باشند (به عنوان مثال کرتیس و همکاران ۱۹۹۲). سن، آموزش و مذهبی بودن و همچنین متغیرهای دو حالتی نشان‌دهنده تاهل، مذکر بودن و شاغل بودن فرد تاثیرات مثبت و مهمی بر عضویت در انجمن‌ها دارند. ضرایب مربوط به اشتغال و آموزش به طور خاص بزرگ هستند. ضرایب پواسون سلسله‌مراتبی را می‌توان به صورت نمایی تفسیر کرد که ضریبی بر نرخ عضویت می‌دهد (رودنبوش و همکاران ۲۰۰۰). ضریب ۳۹۲ برای اشتغال با ضریب ۱,۴۸ متناظر

است^۱. و نمایانگریک افزایش ۴۸ درصدی در عضویت در انجمن ها برای افراد شاغل است. افزایشی به میزان یک امتیاز در سطح آموزش نمایانگر افزایشی ۳۴ درصدی در عضویت است. علاوه بر این، سطح عضویت در انجمن ها برای افراد با آموزش دانشگاهی (با امتیاز ۴ در این شاخص) بیش از دو برابر افرادی است که صرفاً چند سال آموزش دیده اند.

متغیرهای در سطح ملی نیز تاثیرات زیادی بر عضویت در انجمن ها دارند. همان طور که در فرضیه مان آمده بود، دولت سالاری تاثیر منفی چشمگیری بر عضویت در انجمن ها دارد: ضریب دولت سالاری ۶۴۳- با ۴۷- درصد کاهش در عضویت در انجمن ها متناظر است^۲. به بیان دیگر، سطوح عضویت در کشورهای دولت سالار حدوداً نصف سطوح عضویت در کشورهای غیردولت سالار است. بنابراین فرضیه ۱ تایید می شود. علاوه بر این، همان طور که پیش بینی شده بود، جمع گرایی تاثیر مثبت چشمگیری بر عضویت دارد و فرضیه ۳ تایید می شود. ضریب ۳۴۵ نشان دهنده نرخ ۴۲ درصد بیشتر عضویت در انجمن ها در کشورهای جمع گرا است^۳. زمانی که تاثیرات دولت سالاری و جمع گرایی با هم ترکیب می شوند، این دو اثر تفاوت هایی جدی ایجاد می کنند: عضویت در انجمن ها در کشورهای جمع گرای غیردولت سالار همچون سوئد ۷۰٫۲ برابر عضویت در انجمن ها در کشورهای دولت سالار غیرجمع گرا همچون فرانسه است (معکوس ضریب ۵۲۶ برای دولت سالاری برابر است با ضریب ۹۰٫۱ برای غیردولت سالاری)^۴.

در مدل ۱ GDP سرانه (که از آن لگاریتم گرفته شده است) و دموکراسی تاثیر مهمی بر عضویت در انجمن ها نداشتند. GDP سرانه در میان مشخصات مختلف مدل اغلب مثبت است ولی عموماً اهمیت آماری زیادی پیدا نمی کند. ضریب دموکراسی به صفر نزدیک است. این یافته ها می تواند نتیجه گستره نسبتاً کوچک کشورها و بنابراین فقدان تفاوت در این سنجها باشد. تاثیرات GDP و دموکراسی ممکن است در نمونه بزرگ تری از کشورها که شامل تعداد بیشتری از کشورهای غیر از دموکراسی های صنعتی غربی باشد، برجسته تر باشند. مدل ۲ شامل دو متغیر رفتار فردی است که تصور می شود بر مشارکت سیاسی تاثیر می گذارند: «اعتماد به دیگران» و ارزش های پست ماتریالیستی. هر دوی آن ها بر عضویت در انجمن ها تاثیر مثبت چشمگیری دارند. اما گاهی تصور می شود که عضویت در انجمن ها بر سرمایه اجتماعی و اعتماد تاثیر می گذارند (اوروم^۵ ۱۹۸۹؛ پاکستون^۶ ۲۰۰۱) و بنابراین علیت معکوس ممکن است باعث مخدوش شدن نتایج شود. باید با احتیاط آن ها را تفسیر کرد. در هر صورت، یافته های اصلی ما تغییری نکردند.

جدول ۶ ضرایب رگرسیون پواسون سلسله مراتبی نشان دهنده تاثیرات متغیرهای مستقل منتخب بر عضویت سطح فردی در انجمن های جنبش «جدید» و «قدیمی»: ۳۲ کشور از پیمایش ارزش های جهانی، ۱۹۹۱

متغیر مستقل	جنبش های اجتماعی قدیمی		جنبش های اجتماعی جدید	
	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵	مدل ۶
متغیرهای سطح کشوری				
دولت سالاری	-۰٫۴۱۴ (۰٫۰۹۵)	-۰٫۳۵۶ (۰٫۰۹۲)	-۰٫۹۸۲ (۰٫۳۲۸)	-۰٫۹۲۲ (۰٫۱۸۴)
جمع گرایی	۰٫۵۲۹ (۰٫۰۹۳)	-۰٫۲۴۹ (۰٫۰۷۹)	۰٫۰۱۵ (۰٫۱۶۹)	۰٫۰۸۰ (۰٫۱۴۲)
دموکراسی	۰٫۰۰۰۳ (۰٫۰۲۰)	۰٫۰۱۰ (۰٫۰۲۱)	۰٫۰۱۹ (۰٫۰۲۴)	۰٫۰۰۲ (۰٫۰۲۲)
سرانه تولید ناخالص ملی (لگاریتم)	۰٫۰۱۹ (۰٫۱۱۶)	۰٫۰۱۳ (۰٫۱۱۶)	۰٫۲۷۶ (۰٫۲۳۵)	۰٫۲۱۵ (۰٫۲۰۲)

1. exp[.۳۹۲] = ۱٫۴۸
 2. exp[-.۶۴۳] = .۵۲۶
 3. exp[.۳۵۴] = ۱٫۴۲
 4. [۱٫۹][۱٫۴۲] = ۲٫۷
 5. Orum
 6. Paxton

جنبش‌های اجتماعی جدید		جنبش‌های اجتماعی قدیمی		متغیر مستقل
مدل ۶	مدل ۵	مدل ۴	مدل ۳	
متغیرهای سطح فردی				
(۰,۰۰۲)+++۰,۰۰۹	(۰,۰۰۲)+++۰,۰۰۷	(۰,۰۰۱)+++۰,۰۰۹	(۰,۰۰۱)+++۰,۰۰۹	سن
(۰,۰۷۶)+++۰,۴۴۸	(۰,۰۷۵)+++۰,۴۳۲	(۰,۰۴۰)+++۰,۱۹۴	(۰,۰۴۱)+++۰,۲۲۷	جنسیت (مذکر=۱)
(۰,۰۳۹)+++۰,۲۶۷	(۰,۰۳۹)+++۰,۳۵۷	(۰,۰۲۳)+++۰,۲۲۶	(۰,۰۲۷)+++۰,۲۷۴	آموزش
(۰,۰۴۲)۰,۰۰۱-	(۰,۴۱)۰,۰۰۸	(۰,۰۱۹)+++۰,۱۷۴	(۰,۰۱۹)+++۰,۱۷۹	وضعیت تاهل (متاهل=۱)
(۰,۰۲۷)+++۰,۱۱۱	(۰,۰۲۷)+++۰,۱۰۵	(۰,۰۱۳)++۰,۰۴۱-	(۰,۰۱۴)++۰,۰۴۶-	باور مذهبی
(۰,۰۵۱)+++۰,۲۴۲	(۰,۰۴۷)+++۰,۲۴۴	(۰,۰۵۷)+++۰,۷۹۸	(۰,۰۵۷)+++۰,۸۱۹	وضعیت اشتغال (شاغل=۱)
(۰,۰۴۳)+++۰,۳۳۳	-	(۰,۰۲۲)+++۰,۱۴۴	-	اعتماد به دیگران
(۰,۰۳۹)+++۰,۳۷۸	-	(۰,۰۲۲)+++۰,۱۳۰	-	ارزش‌های فرامادی
(۱,۹۱)**۶,۰۷-	(۲,۲۷)*۵,۹۲-	(۱,۰۲)**۲,۸۵-	**۳,۰۸-	ثابت
۵,۷۴-	۵,۷۰-	۴,۶۵-	۴,۷۸-	لگاریتم احتمال (۱۰x-۴)

نکته: اعداد داخل پرانتز خطاهای استاندارد هستند. تعداد افراد=۳۶۷۲۴

+p>۰,۰۵ ++p>۰,۰۱ +++p>۰,۰۰۱ (تست‌های با یک دنباله)
 +p>۰,۰۵ ++p>۰,۰۱ +++p>۰,۰۰۱ (تست‌های با دو دنباله)

نوع عضویت در انجمن‌ها

جدول ۶ نشان‌دهنده نتایج مدل‌هایی است که عضویت در انواع خاصی از انجمن‌ها را پیش‌بینی می‌کنند. مدل‌های ۳ و ۴ عضویت در سازمان‌های جنبش اجتماعی «قدیمی» را پیش‌بینی می‌کنند؛ احزاب سیاسی، اتحادیه‌های صنفی و انجمن‌های صنفی. متغیرهای سطح فردی تأثیراتی دارند که با مدل‌های کلی عضویت در انجمن‌ها (به استثنای اعتقادات مذهبی که اثر منفی مهمی دارد) سازگار هستند.

دولت‌سالاری تأثیر منفی مهمی بر عضویت در جنبش اجتماعی قدیمی دارد، اگرچه این تأثیر کمتر از تأثیر در مدل‌های کلی میزان عضویت است. جمع‌گرایی تأثیر مثبت مهمی بر عضویت در جنبش اجتماعی قدیمی دارد که از ضریب در تحلیل‌های کلی عضویت (مدل ۱) بزرگ‌تر است. در مدل ۳ ضریب جمع‌گرایی ۵۲۹ است که نشان‌دهنده ۷۰ درصد نرخ عضویت بیشتر نسبت به ملت‌های غیرجمع‌گرا است.^۱ بدین ترتیب فرضیه ۴ تأیید می‌شود.

مدل ۵ و ۶ شامل نتایجی برای عضویت در انجمن‌های جنبش اجتماعی جدید هستند. ضرایب سطح فردی هم اختلاف کمی با ضرایب برای مدل‌های عضویت کلی دارند. وضعیت تاهل دیگر تأثیری ندارد و ضریب جنسیت منفی و بزرگ می‌شود که نشان‌دهنده سطوح بالاتری از عضویت در میان زنان نسبت به مردان است. این نتیجه تاحدودی به دلیل این حقیقت است که سازمان‌های زنان در دسته‌بندی جنبش‌های اجتماعی «جدید» قرار گرفته‌اند.

«اعتماد» و «ارزش‌های پست‌ماتریالیستی» که در مدل‌های ۴ و ۶ اضافه شدند، تأثیرات مثبتی بر عضویت در جنبش‌های اجتماعی جدید و نیز قدیمی دارند که به لحاظ آماری مهم هستند.



دولت‌سالاری، تاثیر منفی شدیدی بر عضویت در جنبش اجتماعی جدید دارد که با فرضیه ۲ سازگار است. درحقیقت، دولت‌سالاری بر جنبش‌های اجتماعی جدید نسبت به هر نوع سازمان دیگری تاثیر منفی بزرگ‌تری دارد و با سطح عضویتی ۶۳ درصد پایین‌تر متناظر است.^۱ از سوی دیگر، جمع‌گرایی تأثیری اندکی مثبت بر عضویت در جنبش اجتماعی جدید دارد که میزان آن چشمگیر نیست. این مساله با تاثیر شدید مثبت و قابل توجه جمع‌گرایی بر عضویت کلی و عضویت در جنبش اجتماعی قدیمی در تضاد قرار می‌گیرد. تاثیر مثبت کلی جمع‌گرایی بر عضویت در انجمن‌ها به جنبش‌های اجتماعی جدید بسط نمی‌یابد (احتمالاً به دلیل اینکه جنبش‌های اجتماعی قدیمی آنقدر خوب نهادینه شده‌اند که فرم‌های جدید از فعالیت جمعی را به انحصار خود درمی‌آورند یا آن‌ها را در رقابت شکست می‌دهند).

نظارت‌های روش‌شناسانه

ما نظارت‌های متعدد روش‌شناسانه‌ای بر نتایج‌مان اعمال کردیم. اول، ما تحلیل‌هایی در میان گستره‌ای از مدل‌های آماری و روش‌های تخمینی انجام دادیم تا تضمین کنیم که نتایج‌مان ساخته‌شده روش‌مان نباشد. یافته‌های اصلی ما در میان مدل‌های رگرسیون OLS، مدل‌های خطی سلسله‌مراتبی، مدل‌های پواسون عادی و مدل‌های دو جمله‌ای منفی با هم سازگار بودند. به همین ترتیب، بین خطاهای استاندارد عادی و مقاوم یا زمان استفاده از روش‌های مختلف تخمین اختلاف‌هایی جزئی وجود داشت. دوم، مسائل مربوط به مشخصات مدل و انحراف متغیر حذف شده همیشه موجب نگرانی بوده‌اند. برای رسیدگی به این مسئله متغیرهای مختلف دیگری در سطح فردی و در سطح ملی در مدل‌مان ادغام کردیم که شامل گسترش آموزش در سطح ملی، ویژگی‌های حکومت سیاسی، وضعیت اجتماعی و اقتصادی فردی، دیدگاه‌های سیاسی، عادت‌های دیدن تلویزیون و بسیاری متغیر دیگری می‌شدند. (در صورت درخواست، جداول اضافی از سوی نویسندگان ارائه می‌شوند.) این متغیرها در تحلیل‌های اصلی ما وارد نشدند. هیچ کدام از این متغیرها بر یافته‌های مربوط به دولت‌سالاری و جمع‌گرایی تأثیر نمی‌گذاشتند. سوم، کرتیس و همکاران (۱۹۹۲) بیان می‌کنند که سازمان‌های مذهبی به لحاظ الگوهای عضویت در مقایسه با انواع دیگر از انجمن‌ها متمایز هستند. برای تضمین اینکه سازمان‌های مذهبی نتایج ما را منحرف نسازند، ما با حذف سازمان‌های مذهبی از شاخص کلی عضویت در انجمن‌ها مدل‌هایمان را ارزیابی کردیم. یافته‌ها با هم سازگار بودند. چهارم، ما بر اساس یک نمونه تنها شامل دموکراسی‌های صنعتی (با حذف کشورهای شرق اروپا، آمریکای لاتین و آسیایی) تحلیل‌های مشابهی انجام دادیم. باز هم یافته‌های اصلی تغییری نکردند.

توضیحات بیشتر

روابط متقابل بین سطوح مختلف و معنای عضویت. بحث ما در مورد جمع‌گرایی، فرضیه‌هایی در مورد روابط متقابل بین سطوح مختلف مطرح می‌کند که به دیدگاه‌هایی در مورد معنای عضویت در انجمن‌های در کشورهای مختلف منجر می‌شود. توصیف قبلی ما در مورد شیوه‌های مختلف حکمرانی نشان می‌دهند که ماهیت شمول‌گرای فراگیر نهادهای جمعی ممکن است موجب پرورش یک فرم «خودکار» از مشارکت مدنی شود که کمتر داوطلبانه است و بازتاب‌دهنده موقعیت یک فرد در جامعه و در اقتصاد است (به عنوان مثال کارگری که به اتحادیه صنفی صنعت خود می‌پیوندد) و نه رفتار فعالانه‌تر یک مشارکت‌کننده در سپهر عمومی (به عنوان مثال مادرانی که علیه رانندگی در مستی بسیج می‌شوند). در کشورهای غیرجمع‌گرا، عضویت کمتر از پیش تعیین شده است و بنابراین به طور مستقیم‌تری به ارزش‌ها و رفتارهای فرد وابسته است. در نتیجه، می‌توان پیش‌بینی کرد که رفتارها و ظرفیت‌های در سطح فردی در کشورهای جمع‌گرا تأثیر کمتری بر عضویت در انجمن‌ها دارند و در کشورهای غیرجمع‌گرا تأثیر بیشتری دارند. تحلیل‌های مقدماتی که ما در مورد این مسئله انجام دادیم این ادعاها را تایید می‌کنند. اول، ما دریافتیم که روابط متقابل بین متغیرهای در سطح فردی و جمع‌گرایی از قبیل آموزش اغلب منفی و قابل توجه هستند. آموزش در جوامع جمع‌گرا که در آن‌ها عضویت

در انجمن‌ها امری از پیش مشخص است، ضربی بسیار کوچک‌تر دارد. در جایی که عضویت در انجمن‌ها مسئله‌ای انتخابی است (و بنابراین به عمل خود فرد بستگی دارد) آموزش یک عامل تعیین‌کننده مهم‌تر در مورد عضویت است؛ جایی که عضویت «خودکار» است، آموزش اهمیت کمتری دارد.

دوم، واری اولیه داده‌ها در مورد «مشارکت فعال» در انجمن‌های داوطلبانه (این کار در پیمایش‌های ارزش‌های جهانی به شکل «انجام کار بدون دستمزد» برای یک انجمن مشخص شده است) نیز این نکته را تایید می‌کند. در حالی که جمع‌گرایی معیار خوبی برای پیش‌بینی عضویت در انجمن‌ها است، ما دریافتیم که با مشارکت فعال در یک انجمن همبستگی ندارد. این مسئله به شدت مهم است و ارزش این را دارد که مطالعه نظام‌مندتری در مورد آن انجام شود. این حقیقت که «عضویت» و «مشارکت فعال» در انجمن‌ها ممکن است واگرا باشند، یادآور بحث نظری اصلی ما است مبنی بر اینکه شکل و ساختار «جامعه مدنی» در بین کشورها متفاوت است و اینکه «معنی» فعالیت‌های مدنی بسته به بستر فرهنگی و اجتماعی بسیار متفاوت است. به عنوان مثال بسیاری از نویسندگان اشاره کرده‌اند که اتحادیه‌های صنفی در کشورهای جمع‌گرا نسبت به کشورهای غیرجمع‌گرا بسیار «اجماع‌گرا»تر هستند. علاوه بر این، اعضای عادی انجمن‌ها در کشورهای جمع‌گرا «منفعل‌تر» هستند و مذاکره‌ها را به طبقه حرفه‌ای متخصصین می‌سپارند. در مقابل، اگرچه آن‌ها در مجموع سطوح عضویت بسیار پایین‌تری دارند، سازمان‌های مشابه در کشورهای دولت‌سالار «رپرتوارهای فعالیت جمعی» متفاوتی دارند و فعالیت‌های اعتراضی بیشتری انجام می‌دهند (تریورن^۱؛ تیلی^۲، ۱۹۸۶). در مورد عدم وجود رابطه بین عضویت در کلیسا (که در جوامع جمع‌گرایی همچون سوئد و آلمان فراگیر است) و فعالیت مذهبی (به عنوان مثال دعا خواندن و به کلیسا رفتن) که در این کشورها سطح پایینی دارد نیز می‌توان همین نکته را بیان کرد (گوستافسون^۳، ۱۹۸۲). ویژگی‌های حکمرانی از قبیل دولت‌سالاری و جمع‌گرایی ممکن است در درک چنین تفاوت‌هایی مفید باشند.

روندهای ملی از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۱. با توجه به دغدغه‌های اخیر در مورد تنزلی سکولار در عضویت در انجمن‌های داوطلبانه، ما روندهای ملی از سال ۱۹۸۱ تا سال ۱۹۹۱ را به طور مختصر بررسی می‌کنیم. باز هم با الگو گرفتن از نظریه پردازان نونهادگرا استدلال می‌کنیم که غلبه ایدئولوژی‌های لیبرال (یعنی ایده‌هایی که بر اختیار افراد به عنوان کنشگران اجتماعی مشروع تاکید دارند) در جامعه جهانی در دوره پس از جنگ جهانی دوم (فرنک و میر در دست انتشار؛ فرنک، میر و میهارا^۴، ۱۹۹۵؛ میر، بولی و همکاران^۵، ۱۹۹۷؛ میر، فرنک و همکاران^۶، ۱۹۹۷؛ میر و چیرسون^۷، ۲۰۰۰؛ رامیرز^۸، سویسال^۹ و شنهان^{۱۰}، ۱۹۹۸؛ توماس^{۱۱} و همکاران^{۱۲}) ممکن است همگرایی حول نسخه «سبک آمریکایی» حیات جمعی ایجاد کند که در طول زمان به سطوح بالاتری از انجمن‌ها و تاکید بیشتر بر عضویت در جنبش اجتماعی «جدید» منجر می‌شوند. دهه ۱۹۸۰ شاهد پیشرفت چشمگیر نظام لیبرال در سطح جهانی و در حوزه‌های مختلفی همچون ساماندهی اقتصادی، تجارت، آموزش و حقوق فردی بوده است. علاوه بر این، سقوط بلوک شرق و تعدادی از دیکتاتوری‌های آمریکای لاتین باعث جلب توجه بسیاری به جامعه مدنی و تلاش‌هایی اساسی (به عنوان مثال از سوی سازمان‌های بین‌المللی) برای احیای نهادهای مردمی شده است. بنابراین، ما انتظار داریم که از سال ۱۹۸۱ تا سال ۱۹۹۱ الگوهای فعالیت جمعی در سطح جهان در کل به سوی سطوح بالاتری از فعالیت جمعی و همچنین تاکید بیشتر بر جنبش‌های اجتماعی جدید که مشخصه جوامع غیرجمع‌گرای لیبرال هستند، حرکت کند. جدول ۱ روندهای از سال ۱۹۸۱ تا سال ۱۹۹۱ بر اساس تعداد میانگین عضویت برای کشورهای منتخب را نشان می‌دهد. روشن است که میانگین عضویت در بیشتر کشورها افزایش یافته است. کشورهای اندکی (به عنوان مثال آرژانتین و ژاپن) شاهد کاهشی در عضویت در انجمن‌ها بوده‌اند. اما بیشتر کشورها رشد (گاهی رشد نسبتاً سریع همچون فنلاند و بلژیک) را تجربه کردند. در میان ۱۹ کشور با داده‌های

1. Therb m
2. Tilly
3. Gustaffson
4. Miyahara
5. Ramirez
6. Soysal
7. Shanahan
8. Thomas



عضویت برای سال ۱۹۸۱ و همچنین ۱۹۹۱، میانگین عضویت در سطح ملی از ۸۱ به ۹۳ افزایش یافته است. یک آزمون t نمونه‌های وابسته تایید می‌کند که افزایش کلی از سال ۱۹۸۱ تا سال ۱۹۹۱ به لحاظ آماری چشمگیر است (میزان $t = ۸۷,۱$ ، ۱۹ کشور، $\alpha > ۰,۵$ ، تست با یک دنباله). این افزایش زیاد به نظر می‌رسد، به ویژه با در نظر گرفتن اینکه در طول یک دوره ۱۰ ساله اتفاق افتاده است. علاوه بر این، یک آزمون t یک افزایش آماری چشمگیر (از ۵۴ به ۹۲) در فعالیت جنبش اجتماعی جدید در سراسر جهان را تایید می‌کند. یعنی در سال ۱۹۹۱، ۲,۹ درصد از مردم در یک کشور عادی ادعا می‌کنند که در یک انجمن جنبش اجتماعی جدید عضو هستند. بنابراین، در سطح انباشتی، به نظر می‌رسد کشورها به سوی مدلی «لیبرال» از فعالیت جمعی حرکت می‌کنند که شاید در نتیجه غلبه جهانی چنین مدل و نهادهایی در جامعه جهانی باشد. اما برای نتیجه‌گیری‌های قطعی در مورد علل این روندها، تحلیل‌های چندمتغیره نیاز هستند.

نتیجه‌گیری

ویژگی‌های حکمرانی بر اینکه مردم در کشورهای مختلف چگونه با هم همکاری می‌کنند، تاثیر زیادی می‌گذارد. دولت‌سالاری بر مشارکت در فعالیت‌های جمعی تاثیر بازدارندگی دارد و این اثر به‌ویژه بر فعالیت‌های جنبش اجتماعی جدید، شدید است. از سوی دیگر، جمع‌گرایی مردم را به عضویت در انجمن‌ها (به‌ویژه در اتحادیه‌ها و دیگر جنبش‌های اجتماعی قدیمی) تشویق می‌کند. این تاثیرات بر حکمرانی با قدرت در سطح متغیرهای فردی و فراتراز متغیرهای در سطح فردی از قبیل آموزش فردی، اشتغال و وضعیت تاهل و غیره و همچنین دیگر متغیرهای در سطح ملی همچون توسعه اقتصادی و دموکراسی عمل می‌کنند. بنابراین، ویژگی‌های حکمرانی نه تنها به سطح مشارکت در فعالیت‌های جمعی بلکه همچنین به کیفیت اجتماعی آن (نوع انجمن‌های مورد مراجعه و احتمالاً پیامدهای دیگری همچون اینکه آیا مشارکت فعال است یا منفعل) شکل می‌دهند.

در نهایت، نتایج ما شامل برخی شواهد در مورد آینده است. از یک سو، به نظر می‌رسد که روندهای مشاهده شده در طول زمان به ایده همگرایی بلندمدت به سوی مدلی «لیبرال» از مشارکت سیاسی کمی اعتبار بدهند. قطعاً انتشار یک دیدگاه لیبرال قدرتمند که در آن «جامعه مدنی»، مهم‌ترین عامل یک دموکراسی موفق تلقی می‌شود، در این تحول نقش دارد. در حقیقت، پس از شکست فرم‌های دولت محور توسعه اجتماعی، مداخلات مستقیم در ترویج مشارکت مدنی (به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه و کشورهای سوسیالیستی سابق) به راه حلی برای تمامی مشکلات در میان جوامع صنفی و کنش‌گران بین‌المللی به دنبال مدل‌های جدید بدل شده است (به عنوان مثال فن روی^۱ ۱۹۹۸ را ببینید).

از سوی دیگر، بحث کلی ما ارزیابی هوشیارانه‌تری را تضمین می‌کند. این حقیقت که فعالیت جمعی در چارچوب‌های فرهنگی و ساختارهای اجتماعی وسیعی قرار گرفته است که در طول تاریخ تکامل یافته‌اند نشان می‌دهد که چنین فرمی از مشارکت را نمی‌توان به راحتی «مهندسی» کرد. از آن جایی که ماهیت و امکان‌های جامعه مدنی توسط این الگوهای سازماندهی حکمرانی شکل می‌گیرند، پس فعالیت‌هایی که به دنبال بهبود آن هستند تاثیر محدودی خواهند داشت.

پژوهش ما نشان‌دهنده رویکردی متفاوت به مطالعه تطبیقی انجمن‌ها نسبت به رویکردی است که عموماً مورد استفاده قرار می‌گیرد. ما استدلال کردیم که انجمن‌ها باید با استفاده از یک چارچوب ساختاری مورد مطالعه قرار گیرند که بر الگوهایی از سازماندهی حکمرانی که در طول تاریخ تکامل یافته‌اند، تمرکز داشته باشد و بر اهمیت تحلیل تطبیقی نمونه‌های بزرگ برای آزمون فرضیه‌های تاریخی و نهادی تاکید داشته باشد. این الگوها برای پژوهشگران تاریخ و نظریه پردازان جنبش اجتماعی آشنا هستند اما اغلب در مطالعات بزرگ بین‌کشوری که معمولاً بر فرآیندهای سطح فردی تمرکز دارند، مورد غفلت قرار می‌گیرند.

علاوه بر این، یافته‌های ما نشان‌دهنده نیاز به انگاره‌های جدیدی در مورد انجمن‌های داوطلبانه هستند. مردم به دلیل اینکه ثروتمند، تحصیل کرده یا دارای اعتماد هستند یا به دلیل اینکه منافع یا مشکلات اجتماعی خاصی دارند به انجمن‌های داوطلبانه نمی‌پیوندند. عمل پیوستن به انجمن‌ها و انواع خاصی از سازمان‌ها که مردم به آن‌ها می‌پیوندند در ترتیبات نهادی و فرهنگی تبیین شده در سطح حکمرانی ملی قرار دارند. این ویژگی‌های ملی به اینکه آیا مشارکت داوطلبانه مشروع، عقلانی یا صرفاً امکان‌پذیر است و همچنین به شیوه مشارکت داوطلبانه شکل می‌دهند. بنابراین، جایی که فرهنگ و نهادهای سیاسی، کنش داوطلبانه اجماع محور و مرکزگرا را تشویق کند، بسیج اجتماعی عموماً در مجراهای تثبیت شده قدرتمند و بزرگ اتفاق می‌افتد؛ درجایی که فرهنگ و نهادهای سیاسی، فعالیت جمعی را تضعیف کنند، بسیج اجتماعی ممکن است دارای شکاف باشد و شاید ویژگی آنتاگونیستی بیشتری داشته باشد. در نهایت، جایی که نهادها، دسترسی متمرکز به سپهر سیاسی را تقویت کنند، بسیج اجتماعی فراگیر و رقابتی خواهد بود. انتخاب فردی مشارکت مدنی تنها در رابطه با این زمینه‌های فعالیت که به شدت ساختار یافته هستند معنی می‌یابد که محدودیت‌ها و نقاط قوت آن را تبیین می‌کند.

منابع

- Almond, Gabriel and Sidney Verba. 1963. *The Civic Culture*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Amenta, Edwin, Chris Bonastia, and Neal Caren. 2001. "U.S. Social Policy in Comparative and Historical Perspective: Concepts, Images, Arguments, and Research Strategies." *Annual Review of Sociology* 27:213–34.
- Anderson, Perry. 1974. *Lineages of the Absolutist State*. London, England: New Left.
- Anheier, Helmut K. 1990. *The Third Sector: Comparative Studies of Non-Profit Organizations*. Berlin, Germany and New York: DeGruyter.
- ---. 1991. "West Germany: The Ambiguities of Peak Associations." Pp. 64–93 in *Between States and Markets: The Voluntary Sector in Comparative Perspective*, edited by R. Wuthnow. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Beckford, James A. 1991. "Great Britain: Voluntarism and Sectional Interests." Pp. 30–63 in *Between States and Markets: The Voluntary Sector in Comparative Perspective*, edited by R. Wuthnow. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Bellah, Robert N., William M. Sullivan, Ann Swidler, and Steven M. Tipton. 1985. *Habits of the Heart. Individualism and Commitment in American Life*. Berkeley, CA: University of California Press.
- Berger, Peter L. and Thomas Luckmann. 1966. *The Social Construction of Reality. A Treatise in the Sociology of Knowledge*. New York: Anchor Books.
- Birnbaum, Pierre. 1988. *States and Collective Action: The European Experience*. New York: Cambridge University Press.
- Birnbaum, Pierre and Bertrand Badie. 1983. *The Sociology of the State*. Chicago, IL: Chicago University Press.
- Boli, John. 1991. "Sweden: Is There a Viable Third Sector?." Pp. 94–124 in *Between States and Markets: the Voluntary Sector in Comparative Perspective*, edited by R. Wuthnow. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Boyle, Elizabeth H. 2000. "Is Law the Rule? Using Political Frames to Explain Cross-National Variation in Legal Activity." *Social Forces* 78:1195–1226.
- Bryk, Anthony S. and Stephen Raudenbush. 1992. *Hierarchical Linear Models: Applications and Data Analysis Methods*. Newbury Park, CA: Sage.
- Clemens, Elizabeth S. 1997. *The People's Lobby: Organizational Innovation and the Rise of Interest Group Politics in the United States, 1890–1925*. Chicago, IL: Chicago University Press.
- Cohen, Jean L. 1999. "Does Voluntary Association Make Democracy Work?" Pp. 263–91 in *Diversity and Its Discontents: Cultural Conflict and Common Ground in Contemporary American Society*, edited by N. J. Smelser and J.C. Alexander. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Curtis, James. 1971. "Voluntary Association Joining: A Cross-National Comparative Note." *American Sociological Review* 36:872–80.
- Curtis, James, Edward Grab, and Douglas Baer. 1992. "Voluntary Association Membership in Fifteen Countries: A Comparative Analysis." *American Sociological Review* 57:139–52.
- Cutler, Stephen J. 1976. "Age Differences in Voluntary Association Membership." *Social Forces* 55:43–58.
- Dobbin, Frank. 1994. *Forging Industrial Policy*. Cambridge, England: Cambridge University Press.

- Durkheim, Emile. [1893] 1984. *The Division of Labor in Society*. New York: Free Press.
- Duyvendak, Jan W. 1995. *The Power of Politics: New Social Movements in France*. Boulder, CO: Westview.
- Dyson, Kenneth. 1980. *The State Tradition in Western Europe*. Oxford, England: Martin Robertson.
- Ekiert, Grzegorz. 1991. "Democratization Processes in East Central Europe: A Theoretical Reconsideration." *British Journal of Political Science* 21:285–313.
- Esping-Andersen, Gøsta. 1990. *The Three Worlds of Welfare Capitalism*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- ---. 1999. *The Social Foundations of Postindustrial Economies*. Oxford, England: Oxford University Press.
- Frank, David and John W. Meyer. Forthcoming. "The Profusion of Individual Roles and Identities in the Post-War Period." *Sociological Theory* 19.
- Frank, David J., John W. Meyer, and David Miyahara. 1995. "The Individualist Polity and the Prevalence of Professionalized Psychology: A Cross-National Study." *American Sociological Review* 60:360–77.
- Friedland, Roger and Robert R. Alford. 1991. "Bringing Society Back In: Symbols, Practices, and Institutional Contradictions." Pp. 232–66 in *The New Institutionalism in Organizational Analysis*, edited by W. W. Powell and P. J. DiMaggio. Chicago, IL: Chicago University Press.
- Gorski, Philip S. 1993. "The Protestant Ethic Revisited: Disciplinary Revolution and State Formation in Holland and Prussia." *American Journal of Sociology* 99:265–316.
- Greeley, Andrew. 1997. "The Other Civic America: Religion and Social Capital." *The American Prospect* 32:68–73.
- Gustaffson, Goran. 1982. "Popular Religion in Sweden." *Social Compass* 29:103–12.
- Guo, Guang and Hongxin Zhao. 2000. "Multi level Modeling for Binary Data." *Annual Review of Sociology* 26:441–62.
- Harris, Jose. 1990. "Society and the State in Twentieth Century Britain." Pp. 63–117 in *The Cambridge Social History of Britain, 1750–1950, vol. 3, Social Agencies and Institutions*, edited by F. M. L. Thompson. Cambridge, England and New York: Cambridge University Press.
- Healy, Kieran. 2000. "Embedded Altruism: Blood Collection Regimes and the European Union's Donor Population." *American Journal of Sociology* 105:1633–57.
- Hecló, Hugh. 1988. "The In-and-Out System: A Critical Assessment." *Political Science Quarterly* 103:37–56.
- Hecló, Hugh and Henrik Madsen. 1987. *Policy and Politics in Sweden: Principled Pragmatism*. Philadelphia, PA: Temple University Press.
- Hecló, Hugh and Aaron Wildavsky. 1974. *The Private Government of Public Money. Community and Policy Inside British Politics*. Berkeley, CA: University of California Press.
- Inglehart, Ronald. 1990. *Culture Shift in Advanced Industrial Society*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- ---. 1997. *Modernization and Post-Modernization: Cultural, Economic and Political Change in 43 Societies*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Inglehart, Ronald and Wayne Baker. 2000. "Modernization, Cultural Change and the Persistence of Traditional Values." *American Sociological Review* 65:19–51.
- Jagers, Keith and Ted Robert Gurr. 1995. *Polity III: Regime Change and Political Authority, 1800–1994*. Ann Arbor, MI: Inter-university Consortium for Political and Social Research.

- James, Estelle. 1989. *The Nonprofit Sector in Comparative Perspective: Studies in Comparative Culture and Policy*. Oxford, England: Oxford University Press.
- Jepperson, Ronald. 1992. *National Scripts: The Varying Construction of Individualism and Opinion across the Modern Nation-States*. Ph.D. dissertation, Department of Political Science, Yale University, New Haven, CT.
- ---. Forthcoming. "Institutional Logics: On the Constitutive Dimensions of Modern Nation-State Politics." *Sociological Theory* 20(1).
- Jepperson, Ronald and John W. Meyer. 1991. "The Public Order and the Construction of Formal Organizations." Pp. 204-31 in *The New Institutionalism in Organizational Analysis*, edited by P. J. DiMaggio and W. W. Powell. Chicago, IL: Chicago University Press.
- Kitschelt, Herbert. 1985. "New Social Movements in West Germany and the United States." *Political Power and Social Theory* 5:273-324.
- Klandermans, Bert, Hans-Peter Kriesi, and Sidney Tarrow, eds. 1988. *From Structure to Action: Comparing Movement Participation Across Cultures*. Greenwich, CT: JAI.
- Klandermans, Bert and Sidney Tarrow. 1988. "Mobilization into Social Movements: Synthesizing European and American Approaches." *International Social Movement Research I*: 1-38.
- Knoke, David. 1986. "Associations and Interest Groups." *Annual Review of Sociology* 12:1-21. Knoke, David and Randall Thompson. 1977. "Voluntary Association Membership Trends and the Family Life Cycle." *Social Forces* 56:48-65.
- Kriesi, Hanspeter, Ruud Koopmans, Jan Willem Dyvendak, and Marco Giugni. 1995. *New Social Movements in Europe: A Comparative Analysis*. Minneapolis, MN: University of Minnesota Press.
- Lamont, Michele and Laurent Thevenot, eds. 2000. *Rethinking Comparative Cultural Sociology. Repertoires of Evaluation in France and the United States*. New York: Cambridge University Press.
- Levy, Jonah. 1999. *Tocqueville's Revenge. State, Society and Economy in Contemporary France*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Lipset, Seymour Martin. 1960. *Political Man; the Social Bases of Politics*. Garden City, NY: Doubleday.
- ---. 1963. "The Value Patterns of Democracy: A Case Study in Comparative Analysis." *American Sociological Review* 28:515-31.
- ---. 1985. "Canada and the United States: The Cultural Dimension." Pp. 109-60 in *Canada and the United States*, edited by C. F. Doran and J. Sigler. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Mann, Michael. 1986. *The Sources of Social Power. Vol. 2, The Rise of Classes and Nation States, 1760-1914*. New York: Cambridge University Press.
- McAdam, Douglas, John D. McCarthy, and Mayer N. Zald, eds. 1996. *Comparative Perspectives on Social Movements: Political Opportunities, Mobilizing Structures, and Cultural Framing*. Cambridge, England and New York, NY: Cambridge University Press.
- Melucci, Alberto. 1980. "The New Social Movements: A Theoretical Approach." *Social Science Information* 19:199-226.
- Meyer, John W. 1983. "Institutionalization and the Rationality of Formal Organizational Structure." Pp. 261-82 in *Organizational Environments: Ritual and Rationality*, edited by J. W. Meyer and W. R. Scott. Beverly Hills, CA: Sage.

- Meyer, John and Ronald Jepperson. 2000. "The "Actors" of Modern Society: The Cultural Construction of Social Agency." *Sociological Theory* 18:100–20.
- Meyer, John W., John Boli, George Thomas, and Francisco O. Ramirez. 1997. "World Society and the Nation–State." *American Journal of Sociology* 103:144–81.
- Meyer, John W., David Frank, Ann Hironaka, Evan Schofer, and Nancy B. Tuma. 1997. "The Rise of an Environmental Sector in World Society." *International Organization* 51:623–51. Micheletti, Michele. 1995. *Civil Society and State Relations in Sweden*. Aldershot, England: Avebury.
- Morgan, Kimberly J. 2000. *Whose Hand Rocks the Cradle? The Politics of Child Care Policy in Advanced Industrialized States*. Ph.D. dissertation, Department of Sociology, Princeton University, Princeton, NJ.
- Morris, R. J. 1990. "Clubs, Societies, Associations." Pp. 395–444 in *The Cambridge Social History of Britain, 1750–1950*, vol. 3, *Social Agencies and Institutions*, edited by F. M. L. Thompson. Cambridge, England and New York: Cambridge University Press.
- Moyser, George and Geraint Parry. 1997. "Voluntary Associations and Democratic Participation in Britain." In *Private Groups and Public Life. Political Involvement in Representative Democracies*. Edited by J. van Deth. New York: Routledge.
- Netti, J. P. 1968. "The State as a Conceptual Variable." *World Politics*. 20:559–92.
- Orum, Anthony M. 1989. "Citizen Participation in Politics." Pp. 244–63 in *Introduction to Political Sociology: The Social Anatomy of the Body Politic*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Paxton, Pamela. 1999. "Is Social Capital Declining in the United States? A Multiple Indicator Assessment." *American Journal of Sociology* 105:88–127.
- ---. 2001. "Social Capital and Democracy: An Interdependent Relationship." Working paper, Department of Sociology, Ohio State University, Columbus, OH.
- Perlmutter, Ted. 1991. "Italy: Why No Voluntary Sector?" Pp. 157–88 in *Between States and Markets: The Voluntary Sector in Comparative Perspective*, edited by R. Wuthnow. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Portes, Alejandro and Patricia Landolt. 1996. "The Downside of Social Capital." *American Prospect* 26 (May/June): 18–21.
- Putnam, Robert D. 2000. *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. New York: Simon and Schuster.
- Putnam, Robert D. 1993. *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Ramirez, Francisco., Yasemin Soysal, and Suzanne Shanahan. 1998. "The Changing Logic of Political Citizenship: Cross–National Acquisition of Women's Suffrage." *American Sociological Review* 62:735–45.
- Raudenbush, Stephen, Anthony Bryk, Yuk Fai Cheong, and Richard Congdon. 2000. *HLM 5: Hierarchical Linear and Non-linear Modeling*. Lincolnwood, IL: Scientific Software International, Inc.
- Rosanvallon, Pierre. 1990. *L'Etat en France de 1789 a nos jours (The state in France from 1789 to the present)*. Paris, France: Seuil.
- Salamon, Lester M. and Helmut K. Anheier. 1994. *The Emerging Sector: The Nonprofit Sector in Comparative Perspective: An Overview*. Baltimore, MD: Johns Hopkins University Institute for Policy Studies.

- ---. 1997. "The Civil Society Sector." *Society* 34:60–65.
- Schmitter, Philippe C. 1974. "Still the Century of Corporatism?" *Review of Politics* 36:85–131.
- Schmitter, Philippe C. and Gerhard Lehbruch, eds. 1979. *Trends towards Corporatist inter mediation*. London, England and Beverly Hills, CA: Sage.
- Scott, John C. 1957. "Membership and Participation in Voluntary Associations." *American Sociological Review* 22:315–26.
- Sewell, William H., Jr. 1992. "A Theory of Structure: Duality, Agency, and Transformation." *American Journal of Sociology* 98:1–29.
- Skocpol, Theda. 1985 "Bringing the State Back In: Strategies of Analysis in Current Research." Pp. 3–43 in *Bringing the State Back In*, edited by P. Evans, D. Rueschemeyer, and T. Skocpol. New York: Cambridge University Press.
- ---. 1992. *Protecting Soldiers and Mothers: The Political Origins of Social Policy in the United States*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- ---. 1996. "Unraveling from Above." *The American Prospect* 25:20–25.
- ---. 1997. "The Tocqueville Problem." *Social Science History* 24:455–79.
- Skocpol, Theda and Morris Fiorina, eds. 1999. *Civic Engagement in American Democracy*. Washington, DC: Brookings Institute.
- Skocpol, Theda, Marshal Ganz, and Ziah Munson. 2000. "A Nation of Organizers: The Institutional Origins of Civic Voluntarism in the United States." *American Political Science Review* 94:527–46.
- Somers, Margaret. 1995. "What Is Political or Cultural about Political Culture and the Public Sphere? Toward an Historical Sociology of Concept Formation." *Sociological Theory* 13: 113–44.
- ---. 2001. "Romancing the Market, Reviling the State: Historicizing Liberalism, Privatization, and the Competing Claims to Civil Society." Pp. 23–48 in *Citizenship, Markets, and the State*, edited by C. Crouch, K. Eder, and D. Tambini. Oxford, England: Oxford University Press.
- Soysal, Yasemin. 1994. *Limits of Citizenship: Migrants and Postnational Membership in Europe*. Chicago, IL: Chicago University Press.
- Steinmetz, George. 1993. *Regulating the Social. The Welfare State and Local Politics in imperial Germany*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- ---. 1999. "Introduction: Culture and the State." Pp. 1–49 in *State/Culture: State Formation After the Cultural Turn*, edited by G. Steinmetz. Ithaca, NY: Cornell University Press.
- Stephens, John D. 1995. "The German Path to Modern Authoritarianism: Germany, Britain and Sweden Compared." Pp. 161–82 in *Politics, Society, and Democracy: Comparative Studies*, edited by H. E. Chehabi and A. Stepan. Boulder, CO: Westview.
- Summers, Robert and Alan Heston. 1991. "The Penn World Table (Mark 5): An Expanded Set of International Comparisons, 1950–1988." *Quarterly Journal of Economics* 106:327–68.
- Swidler, Anne. 1986. "Culture in Action: Symbols and Strategies." *American Sociological Review* 51:273–86.
- Tarrow, Sidney. 1996. "Making Social Science Work Across Space and Time: A Critical Reflection on Robert Putnam's Making Democracy Work." *American Political Science Review* 90:389–97.
- Therborn, Goran. 1995. *European Modernity and Beyond: the Trajectory of European Societies, 1945–2000*. London, Eng-

land and Thousand Oaks, CA: Sage.

- Thomas, George M., John W. Meyer, Francisco Ramirez, and John Boli. 1987.
- institutional Structure: Constituting State, Society, and Individual. Newberry Park, CA: Sage.
- Tilly, Charles. 1986. *The Contentious French: Four Centuries of Popular Struggle*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Tocqueville, Alexis de. [1862]1945. *Democracy in America*. New York: Vintage Books.
- Van Rooy, Alison, ed. 1998. *Civil Society and the Aid Industry*. London, England: Earthscan Publications Ltd.
- Veugelers, Jack and Michele Lamont. 1991. "France: Alternative Locations for Public Debate." Pp. 125–56 in *Between States and Markets: the Voluntary Sector in Comparative Perspective*, edited by R. Wuthnow. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Weber, Max. [1922]1978. *Economy and Society*.
- Berkeley, CA: University of California Press. Wessels, Bernhard. 1997. "Organizing Capacities of Societies and Modernity." Pp. 198–219 in *Private Groups and Public Life. Political Involvement in Representative Democracies*, edited by J. van Deth. New York: Routledge.
- Western, Bruce. 1997. *Between Class and Market: Postwar Unionization in the Capitalist Democracies*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Williamson, Peter. 1985. *Varieties of Corporatism. A Conceptual Discussion*. Cambridge, England and New York: Cambridge University Press.
- World Values Study Group. 1994. *World Values Survey, 1981–1984 and 1990–1993*. Ann Arbor, MI: Inter-university Consortium for Political and Social Research.
- Wuthnow, Robert. 1991. "Tocqueville's Question Reconsidered: Voluntarism and Public Discourse in Advanced Industrial Societies." Pp. 288–308 in *Between States and Markets: The Voluntary Sector in Comparative Perspective*, edited by R. Wuthnow. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- ---. 1999. "The Changing Character of Social Capital in the United States." Working Paper, Department of Sociology, Princeton University, Princeton, NJ.
- Zaret, David. 1989. "Religion and the Rise of Liberal–Democratic Ideology in 17th–Century England." *American Sociological Review* 54:163–79.

زمینه‌های ساختاری مشارکت مدنی:
عضویت داوطلبانه در انجمن‌ها در چشم‌اندازی معاصر
بنیان‌های نظری - تاریخی توانمندسازی حاکمیت و جامعه - ۱۱
کد گزارش: ۱۶۶ - مسلسل: ۱۴۰۰۱۴

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی

